بسنجیم یازده‌ونیم درصد مالیات تحمیل برارباب است درآنجائیکه ۵۰ درصدیعنی مناصفه است مالیات ۹ درصدخواهد شد در آنجاهائیکه ۷۵ درصد است یعنی‌دو قسمت را مالك میبرد یکقسمت رعیت میبرد.

در آنجا ها ٦ درصد است‌ودرقسمت های دیگر که ارباب ملك ۳۳ درصد میبرد و بقیه مال رعیت است آنجا ها ۱۲ درصد است و بالاخره اختلاف از ۱۳ درصدتا ٦ درصد است.

حالا بنده برای اینکه‌اوقات نمایندگان تضییع نشود نمیخواهم‌یکی‌یکی توضیحات داده باشم اینها هست ورامین دماوند-قم-اصفهان- کرمانشاه.

در اینجا ها اطلاعاتی که در این جدول تنظیم شده است تقسیمات خیلی اختلاف دارد ووضع یك همچو قانونی که در مملکت‌اینطور تفاوت واختلاف‌در تقسیم بین‌ارباب ورعیت هست بنظر بنده خیلی عجیب می‌آید که بطور کلی میزان مالیات را یکمقداری بگیریم که این همه تفاوت نسبت بارب های مملکت که بهره‌بردارند داشته باشد.

این مسئله هم باید حتماًدرنظرباشد که دروضع‌این قانون طوری بایدرعایت کرد که در عواید دولتی‌نکسی پیدا نشود این مسلم‌است وتردیدی‌نداردوچون‌عواید دولت که ما بآن احتیاج داریم اگر تنزل کند مشکلات‌زیاد میشود و نباید تنزل بکند.

اما باید توجه باین هم داشت‌وخیلی هم مصر نباید بود که عواید دولت حتماً ترقی کند.

اگر تفاوت کرد وزیادترشدنمم — المطلوب ولی اگر تفاوت نکرد زیادنشد باید مترصد بود که کسرهم‌نکند.

مطابق این حساب در اراضی آبی یعنی چهارونیم درصدمالیات‌براراضی‌آبی یاعشر از سهم ارباب جدول‌دیگری‌تنظیم شده است که وقتی مطابق‌این جدول‌هردو را باهم مقایسه می کنیم‌می بینم عشرمالیات از مالك ملك گرفته‌شود یااینکه‌چهارونیم درصداز کل‌عایدات گرفته‌شود.

اخذ عشر از سهم ارباب‌بیشترمیشود ازچهار ونیم درصد از کل‌عایدات و این حساب دراینجا روشن‌است.

حالا بنده بعرض نمایندگان محترم میرسانم...

شیروانی-اینطور که‌شدیك چیزی هم ازدولت طلبکارمیشوند.

مشاراعظم -در اصفهان تقسیمات ارباب و رعیت سه کوت است‌یعنی‌سه‌سهم است دو قسمت ارباب‌یك‌قسمت‌رعیت

شیروانی-چرا؟

مشاراعظم- چون فرمودند چرا توضیحاًعرض کنم مخارج‌را وقتی که‌ارباب ها میدهند در غالب نقاط ایران آن وقت تقسیمات اینطور است ولی‌وقتیکه رعایا میدهند برعکس است.

مثلا در قسمت گیلان-درآنجا چون بذر و سایر کارها بارعیت‌است‌علی‌الظاهر دوسهم رعیت میبردیك‌سهم‌مالك‌دراصفهان یانقاط دیگری که‌برعکس‌این‌است‌ومخارج بردوش ارباب مینماید دوتا ارباب یکی رعیت.

اینها یك اصولی است که مطابق تقسیمات پنجگانه است و خاك و بذر و گاو اینطور در می‌آید.

حالا اگر بخواهیم اینجاحساب کنیم در اصفهان و همدان‌مثلا کسانی که دارای سیصد خروارضبط‌باشد.

مطابق‌این قانون ۲۷ خروارخواهند دادیعنی در ششصد خروار هردو جا وقتی که مطابق قانون فعلی از کلش مالیات بگیریم چهارونیم درصدمالیات‌میشودبیست وهفت‌خروار.

اما اگر از عشرمالك بگیریم آن وقت ۳۰ خروار میشود ۳ خرواردراینجا تفاوت میکنداین من‌باب‌مثل‌بود.

حالا از این قبیل خیلی‌هست مثلا در قم در آنجا سه قسمت میشود که قسمت ارباب و یکقسمت‌رعیت‌میبرد.

یا در اطراف طهران که از ۵ تا دو تامالك میبرد وقتی تمام‌راحساب کنیم‌چهار ونیم درصد بمراتب کمتر میشودازاینکه بخواهیم ازسهم ارباب بگیریم‌بدون‌خرج و این عشر خیلی باصرفه‌تراست و مطابق این حساب وقتی که جمع چندین قلم را ما زده‌ایم.

یعنی چهارونیم‌درصدراباعشرعایدات مالك‌وقتی که باهم حساب کردیم شد شش هزار وهفتصدو پنجاه وهفت خروار وعشر سهم ارباب هفت‌هزار خروار شدیعنی آن قسمت عشر اینقدر تجاوز میکندیعنی‌در هرده خروار یکخروارو شش‌دهم خروار اضافه‌پیدامیشود.

بنابراین وقتی یکصدهزارخروار از این دوقلم باهم معادله هم بشود مادر این قسمت چهارده‌هزار خروار تفاوت خواهم داشت.

ولی بنده انکار نمیکنم که اراضی‌دیم در ایران زیاد است‌و همانطورکه‌عرض کردم اینها قسمت ارباب را کمتر میدهند اگر بناشد ازحقوق ارباب دردیم بگیریم البته عشر سهم ارباب در دیم‌باآن‌میزانی که در اینجا منظور شده است شش ونیم درصد تفاوت کلی‌خواهد داشت‌واین شش ونیم درصد نسبت بعشر سهم ارباب‌دردیم خیلی بیشتر خواهدشد.

ولی البته آقایان نمایندگان محترم هرگز تصدیق نخواهند فرمودبه‌اینکه از اراضی دیم که زحمتش خیلی‌بیشترازآبی است یك مالیات باین گزافی گرفته شودو اگر حق‌و عدالتی درکار باشد میبایستی این قسمت‌را تنزل بدهیم درصورتیکه‌این قضیه را بنده‌میدانم که مالیاتها تحمیل بر مالك ملك میشود نه‌بررعیت وممکن‌نیست رعیت زیربار برود زیرا تابحال مالیات‌نمی داده و حالا هم بازیادی مخارجی که دارد مالیات فوق‌العاده نمیدهد و باین لحاظ نظریاتی بود که قطعاً ترتیب اخذ مالیات تغییر بکند و برود روی سهم ملاکین و از آنها عشر بگیرند بدون‌اینکه‌بخواهند خرجی برای آنها برای آنهامنظور کنند و در این‌باب‌خود کمیسیون هم مذاکرات خیلی‌کافی‌شد و در آنجا بنظررسیده بود که اگر یك طرز معتدلی بارعایت این مقیاس پیدا کنند بهتر است چون غالباً تقسیمات در ایران پنج یك و سه کوت است.

خود بنده هم یك پیشنهادی کردم‌و در کمیسیون‌هم‌موردتوجه‌واقع‌شد ونمایندگان محترم قبول فرمودند وآن‌این بود که‌عشر از ثلث کل عایدات ازمالك بگیرند که‌در حقیقت صدی ۳ وسه دهم میشد این مسئله قبول‌هم‌شد.

ولی در موقع تجدیدنظرقضیه تغییر کرد و بصورت دیگری درآمده است و گمان میکنم آن پیشنهاد هم نتواندعملی بشودبرای‌اینکه‌تغییرات کلی‌است‌وتقسیمات ارباب و رعیت در اراضی دیم و آبی متفاوت است و آن‌وقت وضع مالیات در یکجا همانطور که‌عرض کردم‌درقسمت آبی یازده‌ونیم درصد و سیزده‌ونیم درصدو در یکجا صدی شش درصد خواهد بود و با این ترتیب البته عشر عادلانه‌خواهد بودو در قسمت اراضی دیم هم همانطور که توضیحات عرض کردم شش‌ونیم درصدغیر قابل تحمل است.

زیرا مالیات شش ونیم درصدراهیچ‌کس نمیتواند تحمل کند وباین‌جهات اگر مامطالعه کنیم می‌بینم که اگر روی همان اصول مالیات را ازعشر کل عایدات مملك بگیریم آن‌وقت هیچ اشکالی‌نخواهد بود برای اینکه ملاکین عایداتشان مطابق تقسیمات درهرحوزهٔ معین است ومخارجی هم برای او منظورنمیداریم که‌چه‌مخارجی مقدم است وچه مخارجی‌مقدم نیست وچه‌و چه ضرورتی‌هم ندارد.

زیرا عشر عایدات ارباب درهمه‌جا معلوم است و بنده حاضرم‌بااین جدولی که در اینجامنظم‌شده است‌ثابت کنم که‌عایدات دولت هم در قسمت آبی‌نهایت‌ترقی‌خودو داشت نسبت باین ترتیب حاضره ولی در قسمت دیمی نخیر البته صدی شش و نیم از کل عایدات‌با عشرعایدات‌ملك ارباب تفاوت دارد و قابل‌تحمل‌هم نیست‌ولی آن عشر قابل تحمل است و چون‌اگربخواهیم یك نرخ متساوی برای همه‌جا قراربدهیم آن را تصدیق نمایند بهتر این است که ماعشر از کل عایدات ارباب که امروزیك اصولی دارد بگیریم و عشرعایدات‌بمراتب زیادتر خواهد بود از این میزانی که‌حالا دولت در نظر گرفته.

جمعی‌ازنمایندگان-مذاکران کافی است.

حاج‌میرزاعبدالوهاب - کافی نیست اجازه میفرمائید!

رئیس-آقای حاج‌میرزا عبدالوهاب (اجازه)

حاج‌میرزا عبدالوهاب- بنده آن‌روز هم عرض کردم امروز هم عرض میکنم مخالفین‌این لایحه یك‌چیزهائی‌فکر کرده‌اند که بایستی آنها را بگویند

شیروانی-در مواد بگویند

حاج‌میرزاعبدالوهاب-درمواد هم میگویند مذاکرات کافی‌است‌وبالاخره حکمیت این‌کار بامجلس است وبنده‌معتقدم که آقایان هریك عقاید خود را کاملا بگویند و این‌صحبت هائی که آقای‌مشار اعظم فرمودند که بعضی‌آنها را بنده‌دیدم بدنیست و البته همانطور که‌عرض کردم بهتر این است که موافق و مخالف عقاید خودشان راکامل بگویند بعدبکفایت‌مذاکرات‌رای گرفته شود.

رئیس-رای میگیریم بکفایت مذاکرات آقایانیکه مذاکرات راکافی می‌دانند قیام‌فرمایند.

(عدهٔ‌قیام‌نمودند)

رئیس-معلوم‌میشودکافی‌نیست. چند دقیقه تنفس داده میشود.

(در این‌موقع جلسه برای‌تنفس تعطیل وپس‌از نیمساعت‌مجدداً تشکیل گردید)

رئیس-چون‌عدهٔ کافی نیست اجازه میفرمائید جلسه را ختم کنیم بقیه‌مذاکرات میماندبرای‌فردا.

آقاسیدیعقوب - بنده‌چند کلمه عرض داشتم.

رئیس-عده‌کافی‌نیست

(ده دقیقه قبل از ظهر مجلس ختم‌شد)

رئیس مجلس شورای ملی -
مؤتمن الملك

منشی-علی‌اقبال‌الممالك

منشی-معظم‌السلطان

جلسه ۱۲۷

صورت مشروح مجلس یوم‌یکشنبه‌بیست و ششم‌برج دلو ۱۳۰۳ مطابق بیست ویکم‌رجب ۱۳۴۳

(مجلس دوساعت‌وربع قبل از ظهر بریاست آقای‌سهام‌السلطان‌نایب‌رئیس‌تشکیل گردید)

(صورت مجلس روز قبل را آقای آقا میرزا جوادخان

قرائت نمودند)

نایب رئیس - آقای آقا سید یعقوب

(اجازه)

آقاسید یعقوب - بنده قبل از دستور عرض دارم

نایب رئیس - آقای اجاق

(اجازه)

آقاسید حسن اجاق - بنده هم قبل از دستور عرض دارم

نایب رئیس - آقای تدین

(اجازه)

تدین - بنده هم قبل از دستور عرض دارم

نایب رئیس - درصورت مجلس مخالفی نیست ؟

سردار مفخم - بنده عرض دارم

نایب رئیس - بفرمائید

سردار مفخم - بنده و آقای آقا شیخ محمد علی نماینده محترم قزوین را غائب بی اجازه نوشته‌اند درصورتی که هردوی ما حضوراً از آقای رئیس اجازه گرفتیم وعلتراهم بحضرت آقای رئیس عرض کردیم که عذرما چیست .

نایب رئیس - از کمیسیون تحقیق می شود بعد اصلاح خواهد شد

آقای اخگر

(اجازه)

اخگر - بنده هم قبل از دستور عرضی ندارم .

نایب رئیس - صورت مجلس دیگر مخالفی ندارد

(گفته شد خیر)

نایب رئیس - صورت مجلس تصویب شد .

چون آقای وزیر فوائد عامه برای جواب سئوالات حاضر شده‌اند اگر مجلس اجازه میدهد ابتدا سئوالات بشود

بعضی از نمایندگان - بعد از مذاکرات قبل از دستور

نایب رئیس - بسیار خوب

آقای آقاسید یعقوب

(اجازه)

آقاسید یعقوب - متأسفانه در آخر جلسه اکثریت باقی نمیماند که شور درقوانین که تمام شد سؤال از وزرا در مجلس شورای ملی بشود

بنده در برج میزان وسنبله از وزارت مالیه سئوالاتی کردم حاضر نشده‌اند برای جواب مخصوصاً راجع بنواقل زرقان سؤالی کرده بودم که نماینده وزارت مالیه جوابی دادند بعد که تحقیق کردم معلوم شد که همچو چیزی نبوده است همین طور راجع ببعضی مالیاتهائی که در فارس شده و می شود بحراج گذارده‌اند در صورتی که هیچ جای دنیا اینطور نبوده است که مالیه و لایات را بحراج بگذارند مثل قصبه اردکان و اطراف استدعا دارم ازطرف مقام ریاست تذکر داده شود که ازطرف وزارت مالیه برای جواب حاضر شوند .

یك سؤالی هم ازوزارت فوائد عامه کرده بودم راجع بلوله کشی بیجار خاله وتشکر میکنم که آقای وزیر فوائد عامه تشریف آورده‌اند که جواب بدهند و هم چنین از وزارت خارجه هم سؤالی کرده‌ام .

درجواب مینویسند که باید سؤال کتبی باشد .

بنده هرچه در نظام‌نامه مجلس نگاه کردم ندیدم نوشته باشد که باید سؤال کتبی باشد .

درجواب بنده ازوزارت خارجه نوشته‌اند که مجدداً توضیح دومرتبه بنویسند بنده که استیضاح نمیخواهم بکنم میخواهم سؤال کنم البته وزراء باید حاضر شوند ازشان سؤال شود اگر جواب حاضر ندارند بوزارت خانه که مراجعت کردند بدوسیه نگاه میکنند بعد جواب میدهند .

بنده ازمجلس تقاضادارم این ترتیب را که سؤال کتبی فرستاده شود مثل کمسیون عرایض ارسال ومراسلات درست موقوف فرمایند .

وکیل سؤال میکند وزیر هم میرود دروزارتخانه‌اش بدوسیه مراجعه میکند بعد میآید جواب میدهد .

یك سؤال هم ازوزارت عدلیه کرده‌ام ما زحمت کشیدیم واز مقام محترم ریاست وزراء ووزارت مالیه تقاضا کردیم وبنا شد چهل هزار تومان بدهند بعدلیه هائی که منحل شده بعد که تحقیق کردیم عدلیه‌هائی که منحل شده‌اند بحال انحلال باقی میباشند ومستخدمین بیچاره وزارت عدلیه حقوقشان نرسیده .

این‌ها دردهائی است که مجلس باید دوا کند .

آقایان وزراء یکروز باید بیایند وما دردهائی رابگوئیم حالا که دوا نمیشود نشود این بود عرض بنده .

نایب رئیس - آقای اجاق .

آقاسید حسن اجاق - بنده نمیخواهم وقت مجلس را خیلی تلف کنم همین قدر میخواهم تذکراً عرض کنم ضجهٔ اعضاء و اجزاء ادارات را همه دیده و شنیده اند قریب پنج شش ماه حقوق بآنها نرسیده اعضاء ادارات ولایات را که ازمرکز می‌فرستند یك حقوقهای قلیلی برای آنها معین میکنند که آنها مشغول خدمت شوند و از این اشخاص هم صحت عمل میخواهند .

مخصوصاً کاغذهای شکایتی بوکلاء وچاکر رسیده که قریب هشت نه ماه حقوق اعضاء واجزاء عدلیه‌ها نرسیده همچنین حقوق اعضاء وزارت داخله .

میخواستم خدمت آقایان عرض کنم وتذکری بدهم که تبعیض خوب نیست که حقوق اعضاء مالیه را بدهند وحقوق سایر وزارتخانه‌ها داده نشود .

دراول سال نظر باینکه مخارج با عایدات مطابقه نمیکرد مبالغی از بودجه‌های وزارتخانه ها تقلیل کردند آقایان مسبوقند که باغلب وزارتخانه‌ها شش ماه حقوق داده نشده است .

یك نفر مأمور باحقوق خیلی کم در ولایات غریب البته نمیتواند زندگی کند وناچار است قرض نماید .

قرض هم چقدر میدهند؟ وبااین ترتیب آبروی دولت ودوائر دولتی در ولایات میرود .

این است که خواستم تذکر بدهم خوب است ترتیبی بنمایند که حقوقهای مردم برسد که مردم ازاین سختی‌ها خلاصی یابند این بود عرض بنده .

نایب رئیس - آقای تدین .

(اجازه)

تدین - اوضاع اسف آور مالیه ووزارت مالیه وفشارها در زحماتی که بسکنه ایران وارد میآید وبانواع واقسام تحمیلات برمردم میشود بدرجه‌ایست که تصور می‌کنم تمام آقایان مسبوق باشند ومحتاج به توضیح نباشد .

بعضی از نمایندگان - صحیح است .

چندی قبل صورت حکمی ازوزارت مالیه بیك نفر ازمأمورین مالیات ایالات نوشته شده و باو دستوری که داده بودند بنده دیدم امین مالیه مینویسد که شما هرقدر پولی که بعنوان تفاوت عمل تحصیل کنید صدوبیست مجانا و بلاعوض به شما داده خواهد شد .

شیروانی - صدوبیست وپنج .

تدین - وآقایان تصدیق میفرمایند این تفاوت عمل امروز تفاوت عملی که چند سال قبل مصطلح بود نیست مقصود این است تو که امین مالیه یا پیشکار مالیه هستی بهر اسم یارسم تحمیلاتی برمردم بکنی واضافه عایدات پیدا کنی هرقدر پیدا کردی صدبیست آن مال تو .

حالا قطع نظر از اینکه این حکم بر خلاف قانون است البته آثارش پیداست

آن وقت هرامین مالیه که از این راه بیشتر عایدات پیدا کند دردوسیه خدمتش اوراق تمجید وتحسین وتقدیرهم گذاشته می‌شود

علاوه براین یك مسئله که حقیقتاً بنده را بزحمت انداخته است وتصور میکنم سایر رفقاراهم بزحمت بیندازد

طرزی است که رئیس کل مالیه از شش هفت ماه قبل در رایرت های خودش اتخاذ کرده است

رئیس کل مالیه رفته رفته وارد می‌شود دربیان اعتراضات بمجلس وبدولت و به کمیسیون بودجه وبالاخره بهر کس که یك کلمه حرف بزند وبگوید آقا بعقیده من این پیشنهادی که شما کرده اید صحیح نیست

فورا حربه تهمت ازقویترین تهمت ها بکله‌اش کوبیده می‌شود .

درفلان روزنامه شرحی نوشته می‌شود فورا میگویند پول میخواهد که تنقید میکند .

اگر وکیل تنقید کند فوراً میگویند مطالبه طلبش را کرده است

چون مانداده‌ایم به این جهت تنقید کرده است واگر حقیقتاً این باب مفتوح شود بعداز این دیگر هیچ کس قادر نیست که دراین مجلس تنقید یا اعتراض نسبت به لوایح ایشان بکند بجهت اینکه خواهند گفت فلان کس میخواست مالیات ندهد به این جهت تنقید کرد از آن طرف رئیس کل مالیه فقط باید درحدود عملیات خودش اقدام کند و نباید وارد دراین جریانات بشود .

وبالاخره تولید حب وبغض هائی بکند .

یك قسمت مهم ازاین راپرت حرف اتهام - تهمت - حمله - وهوچی گری شده است

بنده حالا به آنها کاری ندارم چون یك قسمت آن مستقیماً راجع بکمیسیون بودجه است

بنده دفاع میکنم . قسمت‌های دیگری که راجع بمجلس و دولت است خودش میداند وبنده درعین اینکه موافق بادولت هستم راضی نیستم که طرف حمله وتعرض بی‌جا وبی قاعده کسی واقع شوم وهمین طور تصور میکنم آقایان نمایندگان هم این عقیده راداشته باشند

این‌جا در این کتاب مینویسد :

هرگاه کمیسیون بودجه مجلس شورای ملی آشنائی باصول تدوین بودجه می داشت قطع دارم برای پیش نهادهای مالیاتهای جدید دربودجه نسبت سهو وتأخیر را به اینجانب نمی‌داد .

میگوید کمیسیون بودجه بی اطلاع هستند از کیفیت نوشتن بودجه یعنی مردمان جاهلی هستند که آن‌جا جمع شده ومعنی این عبارت درحقیقت همین است

والا بنده کارندارم اشخاصی که در کمیسیون بودجه از قبیل آقای مشیرالدوله هستند سالهای سال دراین مملکت مشغول کار بوده اند وبعضی از آقایان دیگر که دروزارت مالیه بودند واطلاعات مالیه شان زیاد است بااین مقصود از این حرف چیست ؟ بنده عرض میکنم نویسنده این راپرت اطلاعاتش نسبت به ایران از شاگرد کلاس شش ابتدائی کمتر است تاچه رسد به اعضاء کمیسیون بودجه .

فکر زیادی که کرد گفت مادر این باب فکری نکرده‌ایم یك نظامنامه مینویسی و

یکی از این طریق را اجرا میکنیم بعد از سه ماه اگر عملی نشد طریق دیگرش را اجرا میکنیم.

بسیار خوب، باز هم اگر نشد بعد از سه ماه طریق دیگر؟؟ آقا، این مملکت ماجای امتحان نیست.

یکی دیگر این مالیات تصاعدی که این همه در مجلس مورد جنجال شد بالاخره خود این آدم تصدیق کرد که عملی نیست و حالا عقیده پیدا کرده است که مالیات باید صنفی شود و بعد از چندین ماه که وقت مجلس و کمیسیون را تلف کرد و چه نزاعهای مسلکی راه افتاد تازه باین خیال افتاده ؟؟

یك نفر آدم بی اطلاع حق ندارد بیك عده ای اشخاص که کاملا از وضعیات مملکتی خودشان مطلع هستند توهین کند.

علت اینکه ما قائل می شویم از خارج مستشار بیاوریم بی اطلاعی ایرانی نیست علت این است که ما خارجی را میآوریم که یك اختیاراتی باو بدهیم که در ضمن آن اختیارات را که به خارجی میدهیم به یك نفر ایرانی بدهیم صد برابر کار خواهد کرد ...

(بعضی از نمایندگان - صحیح است)

تدین - این راپرت را برای کی مینویسند برای ایرانی ها می نویسند یا جای دیگر؟ لابد برای ما ایرانی ها است حالا بنده میخواهم شما ملاحظه کنید، پولهای ایران مسکوك نیکل یك شاهی بیست عدد مساوی با یك قران دوشاهی ده عدد مساوی با یك قران مسکوك نقره سه شاهی پنج شاهی چهار عدد مساوی یك قران دهشاهی که عدد مساوی یك قران. یك قران دو قران. پنج قران. اینها چیست اینها را برای کی مینویسد؟؟

مگر تغییری در اوضاع پیدا شده است ؟...

شیروانی - اینها برای ترجمه انگلیسی است که بیست هزار تومان خرجش است

تدین - بالاخره بنده عرض میکنم یك قسمت از این راپرت صرف این مهملات ولاطائلات شده درصورتی که در اختیارات این آدم قید شده است که این شخص باید سه ماه بسه ماه راپرت خودش را بدولت بدهد.

الان این چند جلد راپرت را که تهیه کرده اند به تصدیق خودشان چهل و شش نفر مترجم کنترات کرده اند در صورتی که در وزارت مالیه یکعده از مطلعین بدبخت منتظر خدمت هستند و در کوچه ها بیکار راه میروند و یکعده از این مترجمین کارشان تهیه همین راپرت است. برای اینکه اول بفارسی است بعد جمع آوری کنند و به انگلیسی ترجمه نمایند که از نظر مبارك بگذرد و مجدداً بفارسی ترجمه نمایند هر دفعه که این راپرتها طبع میشود چندین هزار تومان خرجش است بعد هم این قدر زیاد طبع میشود که بی مصرف میماند.

در چندی قبل در یکی از جرایداعلان شده بود که مقدار زیادی از هفتمین راپرت رئیس کل مالیه در اداره ملزومات وزارت مالیه باقی است طالبین بآن جا مراجعه کنند جلدی یك تومان فروخته میشود من نمیدانم مسئول این قضایا کیست؟

اگر وزیر مالیه است چه حق دارند بدون امضای وزیر مالیه اعتراض کنند بیك اشخاصی بعدهم تهدید می کنند که اگر ما موفق نشویم خواهیم گفت کی ها مخالف بودند با پیشرفت کارما؟ این اصول زندگی نیست ما هرچه بیشتر سکوت میکنیم بیشتر جری میشوند.

یك نفر مستخدم حق ندارد بمقاماتی که مافوق او هستند و صلاحیتشان بیشتر است توهین و حمله کند.

ضیاءالملك - توهین نکرده است

تدین - توهین چه چیز است ؟ در این صورت دیه با کیست؟ باعاقله است عاقله هم معلوم است کیست؟ بنده صریحاً عرض میکنم که این تعرضات مستقیماً از ناحیه خود اونیست از تقویت هائی است که از این جا ازاو میشود ولی بالاخره این تعرضات شامل حال بعضی طرفداران او که در کمیسیون بودجه هم هستند میشود.

وقتی که گفت کمیسیون بی اطلاع است آن عضوی را هم که طرفدار او است شامل می شود.

بنده نمیدانم اگر بنده یا دیگری بخواهیم اورا بمحاکمه بکشیم در کجا باید محاکمه اش کنیم من نمی فهمم این چه داستان عجیب وغریبی است ؟؟؟ بالاخره بنده این را میخواهم عرض کنم که وضعیات اینطور است بودجه سنه آتیه هنوز نیامده است و بودجه تفصیلی وزارت مالیه که برای بعضی جرایدهم سوء تفاهم شده است همان طور که آقای رئیس هم اعلام فرمودند مال هذه السنه است نه سنه آتیه و محض اطلاع کامل آقایان نمایندگان محترم و طرفداران اجباری یا اختیاری یا اضطراری او عرض می کنم.

کمیسیون بودجه رأی داده و تقاضا کرده است که بودجه تفصیلی هذه السنه که ازطرف دولت بمجلس میآید طبع و توزیع شده تا آقایان تصدیق کنند گرفتاری های کمیسیون بودجه چه بوده وچون این بودجه اعتباری بوده است چکارها دراین بودجه کرده اند و بازهم در راپرت نهم خودشان بردارند و بنویسند تدین با من مخالفت کرد.

برای اینکه املاك خراسانش را خواست تخفیف مالیاتی بگیرد یافلانکس رامیخواست مامور فلان جا کند وما راضی نشدیم باین جهت مخالفت کرد.

ممکن است این حرف ها را هم بزند ؟؟.

نایب رئیس - آقای اخگر

(اجازه)

اخگر - بقدری مسئله سربازگیری بنیچه اسباب زحمت مردم شده است که حد ندارد و بنده خواستم بطور اختصار عرض واستدعا کنم که قانون نظام اجباری رامقرر دارند روزهای یکشنبه جزء دستور بگذارند وپیشنهادی هم دراین باب تقدیم وتقاضا دارم این پیشنهاد ابتداء قرائت شود و رأی بگیرند.

جمعی از نمایندگان - وارد دستور شویم.

نایب رئیس - قبلا سئوالات می شود بعد وارد دستور میشویم. آقای اخگر سئوالی از وزارت فوائد عامه داشتند؟

اخگر - بنده از وزارت فوائد عامه ندارم سئوال بنده ازوزارت معارف است

نایب رئیس - آقای مدبرالملك از وزارت فوایدعامه سئوالی داشتند؟

مدبرالملك - بنده سئوالی داشتم ولی درخارج بایشان عرض کردم واصلاح فرمودند.

نایب رئیس - شاهزاده محمدولی میرزا

(اجازه)

محمدولی میرزا - بنده قریب سه چهار ماه میشود که از وزیر محترم وزارت فواید عامه سئوالی راجع براه آهن جلفای تبریز کرده بودم ومخصوصاً در سابق هم این جا موقعی که بودجه مطرح بود تذکر دادم واشاره کردم بوضعیت اسفناك یگانه راه آهنی که ما در تمام مملکت داریم و تقاضا میکنم از آقای وزیر فواید عامه که شرح آن راه آهن را بفرمایند و بفرمایند برای ترمیم خرابیهای اینراه چه اصلاحاتی درنظر گرفته اند.

وضعیت این راه طوری است لوکوموتیف او عنقریب ازحرکت خواهد افتاد وحالاهم بواسطه وضعیت خرابی که دارد لوکوموتیف ها قادر بحرکت نیستند مخصوصا دربعضی موارد که میخواهند باری حمل کنند بقدری شکایت تجار را فراهم میکند که حد ندارد.

زیرا اموال تجار را که باید به سرحد برسانند مدتها طول میکشد وماهی یکمرتبه بیشتر حرکت نمیکنند.

این است که بنده خواستم تذکر بدهم وسؤال کنم که آقای وزیر فواعد عامه راجع به اصلاح این راه چه در نظر گرفته اند.

وزیر فوائد عامه - شاهزاده محمد ولی میرزا درمقدمه سؤالشان اشاره فرمودند که سه چهار ماه قبل سؤالی ازبنده کرده اند بنده درچندی قبل برای جواب ایشان آمدم ولی ایشان غائب بودند باین جهت بنده موفق بدادن جواب ایشان نشدم.

ایشان سؤالی فرمودند راجع بخرابی راه آهن جلفای تبریز مقتضی بود این سؤال را ازمن نکنند گو اینکه راه آهن جلفای تبریز دروزارتخانه سپرده شده بمن است.

اما خرابی راه آهن بواسطه خرابی اوضاع داخلی راه نیست که مسئولش من باشم.

خود بنده اقرار واعتراف می کنم که اوضاع راه آهن جلفا فوق العاده بد است علتش هم این است که این راه آهن لوکوموتیف ندارد. واگن ندارد.

چوبهای زیر خط آهن تراورسهائی که دارد همه پوسیده شده وقابل عبور واگن از روی آن نیست وبالاخره جوابی که من می توانم دربیان شاهزاده بدهم حرکت ماهی یك دفعه نیست وهفته یك دفعه است که آن هم ازلحاظ نتیجه مثل هم است.

زیرا راه آهنی که در ماه یك دفعه حرکت کند یادر هفته یکمرتبه حرکت کند نتیجه ندارد.

اماچرا اینطور شده ؟ برای این است که اقل برآوردی که شده این است که اگر ازهرپنج تراورس یعنی ازهرپنج جوبی که زیرخط آهن است یکی را عوض کنیم سیصد هزار تومان خرج دارد ...

مدرس - عوائدش را خرج خودش کنند.

وزیر فدائد عامه - واگر دو لوکوموتیف خریده شود هشتاد و پنج هزار تومان خرج دارد واگر بیست و پنج واگن زیاد شود هفده الی بیست هزار تومان خرج دارد.

تمام این مخارج هم درضمن بودجه سنه ۱۳۰۴ که بنده مشغول تهیه کردنش بودم پیش بینی شده است وبهمین جهت است که بودجه سنه ۱۳۰۴ وزارت فوائدعامه یك میلیون وششصد هزار تومان شده است که از این مبلغ قریب چهارصد هزار حوزه تومانش برای مخارج ضروری واصلاحات راه آهن جلفای تبریزاست واگر دولت یا مجلس شورای ملی از هر محلی که شده است این مبلغ را تصویب نفرمایند یقین بدانند که سدی یك مبلغ کلی به عایدات مستقیم دولت خسارت واردمیآید.

وبعلاوه ازنقطه نظراصلاح راه آهن یك عیب ومشکلی پیداشده بود که بحمدالله اخیراً رفع شد وآن این است که ما برای خرید لوکوموتیف ها نمیدانستیم آنها را از کدام راه وارد سرحد ایران نمائیم واز این حیث دچار اشکال بودیم و نمیتوانستیم این مشکل را حل کنیم.

تا اینکه اخیراً خوشبختانه موفقیت قطعی حاصل شد مابین دولت ایران ودولت شوروی قرار شد که دو لوکوموتیف در سرحد جلفا بما تحویل بدهند وبهمین ملاحظه هم بود که دیروز بارئیس کل مالیه که در هیئت وزراء آمده بودند.

دراین موضوع مذاکره شد وشاید لایحه او درهمین چند روزه بیاید بمجلس که هشتاد پنج هزار تومان یا قدری کمتر

اعتبار اضافی ازمجلس شورای ملی برای خرید آن دو لوکوموتیف تقاضا شود.

این است وضعیت راه آهن جلفا.

اگرما موفق بشویم لوکوموتیف بخریم وتراورسها را عوض کنیم یعنی برای این کارها پول پیدا کنیم آنوقت راه آهن جلفای تبریز اصلاح خواهد شد و اگر موفق نشدیم متأسفانه خراب خواهد ماند و خیلی هم جای تأسف است که یك قسمت کوچك راه آهن را مانتوانسته ایم اداره کنیم.

نایب رئیس - آقای کی استوان

(اجازه)

کی استوان - بنده محترماً ازوزارت فوائد عامه خواستم سؤال کنم که آیا صحت دارد که قریب هفت هزار یوك خاویار روسها ازحسن کیاده بغارت برده اند

وزیر فوائدعامه - البته بنده در اینجا نمیخواهم تاریخچه شیلات را عرض کنم واگذارمی کنم بموقع دیگر ولی درقسمت دیگر بردن خاویار ازحسن کیاده میتوانم عرض کنم بماچنین اطلاعی نرسیده است اطلاعاتی که بوزارتخانه بنده رسیده است این مسئله را تأیید نمیکند و اجازه هم در این باب ازطرف دولت داده نشده است

نایب رئیس - آقای آقا سید یعقوب

(اجازه)

آقاسید یعقوب - بنده دو سئوال ازوزارت فوائدعامه دارم یکی را اطلاع نداده ام وحال عرض میکنم تا آقای وزیر فوائد عامه یاداشت کنند وتحقیق فرمایند وبعد جوابش را بدهند.

ولی یك سؤال دیگر را توسط هیئت رئیسه خدمتشان تقدیم کرده ام.

سؤالی که هنوز بایشان اطلاع نداده ام ومطابق نظامنامه داخلی حق دارم که اطلاع بدهم راجع بمسئله راه شیراز به بوشهر است.

دردوره چهارم درزمان ریاست وزرائی آقای مشیرالدوله مبتلا به بوده است و فوق العاده اهالی فارس باین راه علاقمند ومتوجه هستند و مخصوصاً آقای رئیس الوزراء دراین سفر که تشریف برده اند فوق العاده باین راه توجه دارند واهمیت می دهند که ازبین نرود.

و بموجب اطلاعاتی که بما میدهند اگر این راه خراب شود بندر بوشهر بکلی از بندریت بیفتد ویکضرر فوق العاده بمملکت اردمیشود

میخواهم تقاضا کنم که بعد ازتحقیقات عمیقه معلوم کنند که چه اندازه عوائد حقیقی این راه است وبموجب اطلاعاتی که بما داده اند عوائد این راه خیلی زیاد است وفوق العاده صحبت میکنند ولی آنچه که وزارت فوائدعامه اطلاع داده اند خواستم ببینم عوائد این راه چقدر است وچه اندازه بمصرف این راه میرسد؟

از آمدن سیل وباران زیاد هم اطلاع داریم که برف زیاد آمده وزیاد خراب کرده است و بطوری که میگویند دویست هزار تومان خرج آن راه است

این سؤال بنده بود حالا خواستم بدانم دولت در درست کردن راه مابین بوشهر و شیراز چه تصمیمی اتخاذ کرده است این یك موضوعی بود که حالا خدمتتان عرض کردم ولازم است که عرض کنم نمایندگان فارس بلکه تمام مجلس باین مسئله فوق العاده علاقه دارند واهمیت میدهند.

سؤال دیگر - خودتان دردوره دوم مجلس شورای ملی از اول تا آخر تشریف داشتید و میدانید که دولت امتیاز کشیدن لوله از بندر بیجار خاله تا شهر رشت را بکمپانی نوبل داده است بعدهم خود شما که وزیر فوائدعامه هستید لایحه تجدیدش را بکمیسیون فوائد عامه داده اید ودر کمیسیون هم چون بنفع دولت است می توانم عرض کنم باتفاق گذشته است و در روزنامه ایران که خیلی روزنامه محکمی است (اگرچه همه روزنامه ها خوبند ولی روزنامه ایران روزنامه محکمی است) اطلاع داده بود که نماینده شرکت نفت باد کوبه نماینده این کمپانی را گرفته و حبس کرده ولوله را هم ضبط کرده است.

بنده خواستم از وزارت فوائد عامه سؤال کنم که این مسئله صدق است یا خیر؟ و درصورت صدق چگونه ممکن است که در ایران یك کسی بیاید و بیك شخصی این طور توهین و اعمال نفوذ بکند و نماینده کمپانی اصلی را بدون مراجعه کردن به وزارتخانه و ادارات ما حبس و لوله او را توقیف کند خواستم حقیقت این مسئله را بفهمم.

وزیر فوائدعامه - بنده تصور می کنم میتوانم جواب سؤال اول و دوم آقا را همین امروز عرض کنم مطابق اطلاعاتی که اخیراً رسیده بواسطه سیل راه مابین شیراز و بوشهر خرابی پیدا کرده است و مخصوصاً بواسطه اهمیت این راه و توجه مخصوص که خود آقای رئیس الوزراء در تعمیر این راه دارند از طرف ایشان هم اخیراً تأکید شده که اقدام لازمه شده وزود تر این راه تعمیر بشود ومطابق اطلاعاتی که بما رسیده و تحقیقاتی که بنده کرده ام مبلغی که برای عوائد این راه گفته می شود خیلی کمتر از آن مبلغی است که آقای آقا سید یعقوب بیان فرمودند واگر بخواهیم وارد اقلام جزء بشویم برطبق یك تلگرافی که چند روز قبل رسیده بود ودر نظرم هست پنجهزار تومان برای تعمیرات ابتدائی این راه لازم است ویا نصد تومان لااقل برای ساختن پلهائی که خراب شده است وباید پیش بینی شود.

البته در مملکتی که بودجه منظم دارد و تمام مخارجش هم قبلا پیش بینی شده پیدا کردن این مبلغ هم چندان آسان نیست.

آقایان محترم هم میدانند که امسال برای مخارج وزارت فوائدعامه هشتصد و ده هزار تومان بودجه تصویب شده است که یکصد و هشت هزار تومان ازاین مبلغ برای نگاهداری باج دار خانها تصویب شده است.

و قریب سیصد و هشتاد هزار تومان برای نگاهداری و تعمیر راهها تخصیص داده شده است.

والبته این مبلغ با درنظر گرفتن خرابی راهها ووسعت مملکت ایران بقدری غیر قابل ذکر است که اصلا نمیتوان این را یك مبلغی حساب کرد.

باین جهت بنده اقدامی که کردم این است که آن پانصد تومانی که برای تعمیر پلها لازم است او را امسال خرج کنیم و از اعتبار طرق و شوارع این مبلغ را میتوانیم پیدا کنیم و این پلها را عجالتاً بسازیم تا بعد از بودجه سنه آتیه ۱۳۰۴ که تقریباً دوهفته یا ده روز است.

بنده بوزارت مالیه فرستاده ام درضمن آن بودجه اعتباراتی هم برای راه ها منظور شده است و امیدوارم اصلاح شود وبعلاوه چنانکه خاطر آقایان نمایندگان محترم مسبوق است کمیسیون اقتصادیات که در مجلس شورای ملی تشکیل میشود یکی از مسائل مهمه که در نظر دارند و میتوان گفت از مسائل مهمه مملکتی است همین نظریه ساختن راهها است ودرنظر دارند منابع عایداتی هم برایش پیدا کنند.

و این یکی از بهترین وسائل ترقی مملکت است.

ولی چون فعلا آن منابع عایدی تحت مطالعه گذاشته نشده است و اقدامات و مطالعات در این باب تمام نشده است.

بنده نمیخواهم در اینجا ذکری از آن بکنم.

ولی اساساً عرض میکنم که اگر بخواهیم این راههائی که فعلا در ایران موجود است ترمیم و سوسه کنیم از شانزده الی هیجده میلیون تومان خرج دارد آن وقت پس از این خرج میتوان گفت که مملکت مادارای راههای شوسه متوسطی خواهد بود.

پس بنابراین بااعتراف باینکه راه از بوشهر بشیراز نهایت اهمیت را دارد و با اعتراف باینکه بعضی حوادث غیر منتظره ووجود سیل خراب شده است.

امسال وزارت فوائد عامه همینقدر موفق خواهد شد که آن پلها را تعمیر نماید تا پس از تصویب بودجه ۱۳۰۴ اقدامات کامل تری برای تعمیر راه ها اساساً بنمایند

سؤال دوم نماینده محترم راجع است بلوله نفت از بندر بیجارخاله بباغ شاه رشت که سابقاً بکمپانی نوبل داده شده و حالاهم مدتی است که تجدید اجازه لوله ازطرف وزارت فوائد عامه بکمیسیون فوائد عامه پیش نهاد شده و تصویب هم شده ومیخواهم ازموقع استفاده کنم وتذکر بدهم که هرچه زودتر اورا جزو دستور بگذارند تا تصویب شود

ولی درباب سؤالی که فرمودند بخود بنده هم شکایتی شده

ولی نظر باینکه مطلب متوجه بنده نبود

یعنی اگر اقداماتی باید بشود میبایستی ازمجرای وزارت خارجه بعمل آید

از این جهت مطلب رافوری بوزارت خارجه مراجعه کردم

زیرا از مجرای وزارت خارجه میبایستی این کار درست بشود وخود بنده هم اعتراف میکنم که این تخطی درصورت صحت برخلاف ترتیب بوده است ومیبایستی جبران شود

ومطلبی را که بنده اطلاع یافته ام و این جا عرض میکنم این است که لوله هائی که موجود است دراجاره این کمپانی بوده است وبرای حمل ونقل خودش اجاره کرده بوده است ومستأجر بوده برای حمل نفت خودش وقرار دادی هم داشته

حالا درنتیجه چه مشاجرات ومنازعاتی وچه اختلافاتی کاررا بمنازعه کشانیده و عملیاتی نسبت به این کمپانی ازطرف دولت سویت شده است آن را بنده نمیدانم

زیرا همانطور که عرض کردم مسئله مربوط به وزارت خارجه است وبنده مربوط نیست وصلاحیت ندارم که چیزی عرض کنم ودرجواب سؤال آقا هم گویا همین طور نوشتم که در این قسمت مقتضی است از وزارت خارجه سئوال کنند.

آقاسید یعقوب - مطلب معلوم شد وخیلی خوشوقتم که خود آقای وزیر فوائد عامه اهمیت این موضوع رانصب العین خودشان قرار داده و مسئله رابه وزارت خارجه احاله داده اند

حالا تقاضا میکنم که ازطرف وزارت خارجه بیایند وجواب مسئله رابدهند

واما درباب سؤال اول چون راجع باخذ حقوق و باجی که درراه میگیرند اطلاعات مختلف بما میدهند

وبنده نمیتوانم به این اطلاعات غیر رسمی اطمینان پیدا کنم

لذا خواستم ازآقای وزیر فوائدعامه تقاضا کنم که دراین باب یك اطلاعات کاملی ازباج راهی که ازعابرین میگیرند پیدا کنند وتحقیق کنند که چه ترتیب قرار گذارده اند و جواب بنده را بعد بفرمایند.

وزیر فواعدعامه - دراین موضوع هم بنده غفلت کردم جواب آقا را عرض کنم وقسمت اخیر ازسؤال ایشان هم مربوط اوزارت مالیه است زیرا ما متصدی وصول باج راه نیستیم ووزارت مالیه تمام باج راه ها

را اخذ میکنند

ممکن است بنده هم ازوزارت مالیه سؤال کنم وجواب آقارابدهم

ولی ایشان اگر میخواهند ازمجرای رسمی تحقیق بفرمایند باید ازوزارت مالیه سؤال کنند.

نایب رئیس- آقای طهرانی (اجازه)

آقاشیخ محمدعلی طهرانی

بنده سؤالی ندارم.

نایب رئیس- آقای مقوم الملك (اجازه)

مقوم الملك- از قراری که بنده شنیده‌ام شخص موسوم بخوشتار یا اشجار جنگلهای مازندران و گیلان راقطع کرده ومی برد

آیا همچوچیزی هست یانه ؟وعلت این که جنگلهارا قطع می کندومی بردو بمزایده هم گذارده نشد چیست؟

وزیر فوائدعامه- ببنده اطلاعی نرسیده است که اشجارمازندران و گیلان راخوشتاریا نامی میبردومیبرد وچون اطلاع ببنده نرسیده است

لهذا نمیتوانم تصدیق اکنم وچون در عین حال اشاره کردند بمزایدهٔ لازمست عرض کنم

نظر به اینکه دراین باب هم یك مکاتبات وجریاناتی بوده‌است.

لذا لازم میدانم که مطلب را دراین جا توضیح بدهم

اولا اساساً باید درباب جنگل‌ها چند کلمه در این جا گفته شود

جنگل یکی ازثروتهای مهم مملکتی است وبهمین جهت است که درهرمملکتی اگرجنگل کم داشته باشند حتی الامکان سعی می کنند که جنگلهارا زیاد کنندومبادرت به این عمل نه تنها از لحاظ این است که جنگلی زیاد شود بلکه دراوضاع فلاحتی درآب وهوای ممالك هم فوق العاده تاثیر دارد ودرهمان حال باید نسبت بجنگل‌ها هم یك اصولی اتخاذ کرد که خارج ازآن اصول بودن نفیاواثباتاه مضراست.

یعنی همانطور که قطع اشجارجنگلی بدون مطالعه وبدون مراعات اصول علمی مضراست همینطور هم منع قطع اشجار جنگلی هم ممکن است مضر باشد.

زیرا درخت تاسن معینی قابل استفاده های صنعتی است وهمین که ازآن مرحله طبیعی گذشت دیگرقابل استفاده صنعتی نیست.

فقط آنوقت است که جنگل باید چوب باشد و هیزم وذغال باین ملاحظه است که در سایر ممالك چون قوانین مرتب برای جنگل‌ها دارند قطع اشجار جنگل های خودشان را موکول به آن قانون می‌کنند.

باین معنی که جنگل‌ها را تقسیم میکنند ،رقسمتهای معینی وبادرنظر گرفتن سن هرقسم درخت و مدتی که برای رشد درخت لازم است جنگل را طوری قطع میکنند که اگر بانتهای جنگل رسید آن قسمتی که درسال اول شروع بقطع کردن کرده‌اند باز دومرتبه رسیده‌باشد بآن حد طبیعی وبسن نمورسیده‌باشد.

بنابراین درقطع جنگل‌ها بایدهمیشه این ترتیب رامراعات کرد وبهمین جهت است که اگرجلوگیری بشود از قطع جنگلی که باید قطع شود برای مملکت مضراست

زیرا درتحت تأثیر همین اصل بوده است که اصطلاحاً درولایات شمالی ما می‌گویند زمین راآباد کنید.

یعنی جنگل‌هایش راقطع کنید تامبدل بزمین‌های زراعتی بشود.

چرا ؟!

برای این که اشخاصی که صاحب جنگل بوده‌اند آن استفاده‌ای که از زراعت می‌کرده‌اند قهراً ازجنگل نمیکرده‌اند و از این لحاظ ترجیح میداده‌اند که زمین جنگل ها را تبدیل بزمین زراعتی بکنند.

ولی این ترتیب بداست ودولت باید مالکین جنگل‌ها را ذینفع وذیعلاقه بکند درحفظ وحراست جنگل‌های خودشان و این کار حکما مخصوصا درایران باید بشود.

زیرا ما هنوز مستحفظ جنگل وگارد فرستیر نداریم وخودآقاهم میدانندوباین جهت دولت عملا قادرنخواهدبود که حفظ وحراست جنگل‌هارا درصورتی که مالکین آن جنگلها هیچ نفع و استفادهٔ از آن جنگل نبرند بکند.

اساسا یك اصل کلی را باید درنظر گرفت وآن این است که جنگل‌هارا باید بدو قسمت تقسیم کرد.

جنگل دولتی و جنگل شخصی و اربابی.

درجنگل‌های دولتی مثل هر مالکی خودش حق دارد که وقتی که قطع جنگل‌را لازم میداند بمزایده وبهر ترتیبی که دلش میخواهد بفروشد واجاره بدهد یاندهد.

اما وقتی که در جنگل‌های خصوصی وشخصی معامله میشود.

استفاده دولت فقط ازلحاظ حفاظت جنگل‌ها باید باشد و حق نظارت دارد یعنی دولت اگربتواند بایجاد وسائلی از قطع اشجار جنگل درغیرموقع جلوگیری بکند حق دارد.

ولی درمعاملات خصوصی گمان نمیکنم حق مزایده و دخالت داشته باشد و در جنگل های خصوصی مزایده اصلا مورد ندارد.

این دومطلب باید ازهم تفکیك شود وبعلاوه با تمام این تفاصیل مخصوصاً قطع درختهای جنگلی وحمل آن بخارجه منوط باجازه مخصوصی است و تا وقتی اجازه مخصوص صادرنشود بدون اجازه هیچکس حق ندارد جنگل را قطع کند.

وبهمین جهت اینخبری که بآقارسیده مشعر بر اینکه جنگل های مازندران و گیلانرا قطع میکنند ومیبرند گمان نمی‌کنم زیادمقرون بصحت باشد.

مقوم الملك- دراینجا یك اشتباهی شده است مابین جنگل وبیشه.

جنگل اساسا متعلق بدولت است واشخاص دارای بیشه هستند.

(همهمه بین نمایندگان)

مقوم الملك- جنگل عبارت از اشجاری است که درجاهای بلامالك پرورد گار عالم آنهارا رویانیده است وآن متعلق به دولت است.

ولی بیشه عبارت ازاشجاری است که با دست اشخاص غرس شده باشد بعلاوه در قباله اشخاص هم باید قید و مصرح شده باشد که جنگل هم هست و جنگل ممکن است درحدود ملك اشخاص باشد و اگر اشخاصی بخواهند بوسیله کاغذهای جعلی جنگلهارا ببرند وقطع کنند ازطرف دولت بایدجلوگیری شود.

خود آقای وزیر فوائد عامه حالا فرمودند که اگر ازهر پنج تاچوبی که زیر راه آهن است یکی را بخواهیم عوض کنیم سیصدهزارتومان خرج دارد.

دراینصورت و با احتیاج مبرمی که مملکت و دولت بچوب جنگل ها دارد حتی الامکان نباید بگذارد که باسامی مختلف جنگلهارا ببرند وقطع کنند.

فرضا که میگویند جنگل‌ها شخصی است باید بقباله‌جات آنهارسیدگی کنند و ببینند که آیاواقعاً مال آنهااست یامال دولت است.

نایب رئیس- قدری ازحدود سؤال خارج شدید.

وزیر فوائد عامه - بنده دوباره اجازه میخواهم که یك مرتبه دیگرمسئله‌را عرض کنم.

بنده یك مطلب اصولی واساسی را عرض کردم وحالاهم تکرار میکنم که جنگل هم ممکن است مال دولت باشد هم مال اشخاص.

بنده دراین باب خیال میکردم اشتباهی بشود زیرا این قضیه اساسی ومسلم است.

حالا ممکن است اسم جنگل های دولتی را جنگل بگذارند واسم جنگلهای مردم را بیشه.

ولی مطلب بهرحال همان بود که عرض کردم.

آن قسمت از درختهائی که درزمین‌های اشخاص نیست متعلق بدولت است

دراین جا فرمودند که یك عده باستناد قباله‌جات مجعوله جنگل‌را می برند وخوب این که منحصر بجنگل نیست.

البته هر کسی باستناد قباله‌جات دروغی هرچیز دولت را بخواهد ببرد باید از جلوگیری کرد.

ولی در صورتی که اشخاص اسناد معتبر در دست داشته باشند ومسلم شده باشد که مثلا فلان ملك ملك آقای سردار معتمد است در گیلان.

وقتی که این قضیه مسلم شد آنوقت ایشان درملك خودشان اگر جنگلی داشته باشند میتوانند آنرا بفروشند.

مگر خدای نخواسته ایشان تجاوز کرده باشند باید جلو ایشانرا گرفت نگذاشت که ایشان ازحدود خودشان تجاوز کنند و این مسئله البته محل کلام نیست.

نایب رئیس- آقای مصدق السلطنه (اجازه)

مصدق السلطنه- بنده میخواستم درباب جنگل‌ها یك سؤالی از آقای وزیر فوائد عامه بکنم امااامروزمیل نداشتم ولی چون قبلا یك سؤالی شدودرجواب آقای مقوم الملك نماینده محترم هم جواب دادند لذا بنده هم امروز سؤال خودم را میکنم اگرهم جوابی ببنده نمی‌دهند باشد برای روز دیگر.

اطلاعاتی که بنده دارم رسمی است بموجب نوشتجاتی است که دردوسیه خودشان هم موجوداست.

این که فرمودند که از قطع اشجار جنگلی اطلاعی ندارم گمان میکنم دوسیه امر غیرازاین باشد.

حالا بنده دوسیه را عینا قرائت میکنم آنوقت اگر ایشان خواستند جواب بنده را امروز بدهند اگر هم نخواستند بعد.

ارلا ازهیئت وزراء بموجب ۱۲۱۴۴ الکین طوالش گیلان برای قطع خرید اری مودخه ۲ قوس تصویب نامه صادر شده است که قطع کلیه اشجار ممنوع است مگر تصویب هیئت وزراء واین تصویب نامه کلا براصلاح مملکت است بجهت این که هنوز جنگل‌های دولتی اگرهم قائل بشویم باین اصل که جنگل‌ها هم مال دولت است هم مال اشخاص متفرقه.

هنوز تشخیص داده نشده است که این جنگل‌ها کدامش مال دولت است وکدامش مال اشخاص متفرقه.

ونظر باین که درتمام دنیا و ممالك متمدنه هم یك قوانینی هست که به موجب آن قوانین قطع اشجار جنگلی ممنوع است مگر باجازه دولت ومفتشین دولتی ومخصوصا بنده اطلاع دارم که در سویس مفتشین برای این کارهستند که اشجاری که باید قطع شود مفتشین داغ میکنند وعلامت میگذارند ودر موقع باید بمفتشین اطلاع بدهند و با اجازه آنها این اسجار باید قطع شود و امروزه درجاهائی که جنگل ندارند سعی میکنند که جنگل پیدا کنند ومانباید جنگل‌ها واشجاری راکه طبیعت برای ما درست کرده بثمن بخس بدهیم قطع کنند وبخارج حالا خواه مال دولت باشد و خواه اشخاص واز این نقطه نظر این تصویبنامهٔ که میکنم در کابینه آقای سردارسپه تصویب شده است خیلی مفید است بنده این تصویب نامه رامیخوانم

وزارت جلیله فلاحت و تجارت و فوائد عامه.

هیئت وزراء در جلسه ۲۸ عقرب ۱۳۰۲ برحسب پیشنهادوزارت فلاحت وتجارت وفوائد عامه نظر بلزوم حفظ اشجار صنعتی وذی قیمت جنگلهای ساحل بحرخزر تصویب نمودند که بیش از مقدار دویست هزار پوط چوب شمشادی صادر هذه السنه بموجب تصویب نامه مخصوص اجازه صدور بخارجه داده شده است هیچ گونه اجازه دیگری برای قطع وحمل اشجار صنعتی داده نشود و مادام که قانون مخصوص برای حفظ ونگاهداری محصول جنگلی وضع نشده است قطع اشجار صنعتی وصدور آن بخارجه اکیداً ممنوع مأمورین سرحدی موظف باجرای این تصمیم هستند.

تصویبنامه در کابینه هیئت وزراء بسط است.

بعد خوشتار یامورخه ۲۵ قوس ۱۳۰۳ شرحی مینویسد بوزارت فوائد عامه که آنرامیخوانم.

مقام منیع وزارت جلیله تجارت و فلاحت وفوائد عامه دامت شوکته چون نداری ازاشجار جنگلی راکه اینجانب از مودخه ۲ قوس تصویب نامه صادر شده است فعلا محض فروش لازم شده است بطلع نمایم لذابانهایت توقیر واحترام متمنی است قدغن فرمایند که بر طبق اصول مملکت است بجهت این که عمومی اجازه قطع پنجهزار درخت بلوط بدهزار درخت دیگر را در این جنگلها برای اینجانب صادر فرمایند.

سواد نوشتجات اشجار ابتیاعی از آقایان سردار امجد وبهجت الدوله وروح الله خان و سید هدایت و خورده مالکین امضاء خوشتاریا. بعد وزارت فوائد عامه جواب مراسله خوشتاریا درتحت نمره ۶۷۲۸ شرحی مینویسد که آن را هم قرائت میکنم:

مسیو خوشتاریا مراسله مورخه ۲۵ قوس شمامتضمن ۹۶ فقره سواد (ملاحظه بفرمائید دراینجانوشته ۹۶ فقره سواد که معلوم نیست این اشخاص بموجب چه قبالجاتی جنگلها رامال خود میدانند ومعلوم نیست که واقعاً این اشجار مجهولند یامعلوم و این ۹۶ فقره مال کیهااست) مینویسد:

مراسله شما متضمن ۹۶ فقره سواد دائر بدرخواست اجازه قطع پنجهزاراصله درخت بلوط وده‌هزار اصله سائر درختها ملاحظه شد باحفظ نظریه خود نسبت بقرار

دادهائی که درموضوع خرید جنگلها در طوالش منعقد نموده‌اید

(و بنده حالا نمیدانم این نظریات چیست البته یك مسئله‌ایست) باشرائط ذیل میدهد که پنج هزار اصله درخت بلوط و ده‌هزاراصله سایر درختهای غیرصنعتی ازجنگلهای طوالش که موضوع قراردادهای شما است قطع نمائید.

اولا- مبلغ دوهزار تومان بابت اجازه قطع ازقرار درخت بلوط دو قران و سایر درختهای غیر صنعتی یك قران بدو قسط یك‌هزارتومانی بخزانه‌دولت کارسازی داشته و رسید دریافت دارید.

قسط اول در موقع صدور این اجازه وقسط دوم در موقع شروع به‌قطع پرداخته خواهد شد.

ثانیاً بجای هردرخت که قطع مینمائید پنج اصله درخت بلوط یادرخت دیگر صنعتی که دولت تعیین نماید باید کاشته‌شود.

مجموع درخت هائی که قطع خواهید کرد پانزده‌هزار اصله وحداقل درختهائی که خواهید کاشت هفتادو پنج هزاراصله خواهد بود.

ثالثاً- هرگاه از تعداد هفتادو پنج هزاراصله درخت کمتر کاشته باشیدازقرار هر درختی یك قران دولت دریافت‌خواهد کرد.

رابعاً- دولت برای عملیات فوق یك نفر مأمورتعیین خواهد کرد حقوق مشارالیه از قرار ماهی پنجاه تومان برعهده شخص شما است که مرتباً کارسازی دارید.

خامساً- هرگونه مقررات و نظامات و قوانین دولتی راجع بجنگلها که بمأمور دولت دستور داده ویا بعد وضع خواهدشد بموقع اجرا خواهید گذاشت.

آقای وزیر فوائد عامه هم امضاء کرده اند.

حالا اسناد دیگری هست که مفصل است و وقت مجلس را میگیرد اساساً عرض بنده این بود که حقیقتاً تا قانونی برای جنگلها وضع نشده است و تشخیص و تفکیکی بین جنگلهای دولتی و اربابی به عمل نیامده است عقیده بنده این است که اصولا جنگلها مال دولت است ولی اگر یك کسی آمدوبایك اسناد محکمی ثابت کرد که در فلان نقطه نسبت بیك جنگلی حقی دارد آن یك امریست علیحده والبته ممکن است در مملکت مالك خاصی هم برای جنگل باشد و دولت هم جنگل مالك را ضبط نمیکند ولی اصولا جنگل مال دولت است و تازمانیکه معلوم نیست جنگل مال مالك است اجازه قطعش ازنقطه نظر حفظ مملکت و از نقطه نظر حفظ جنگلها برخلاف مصالح مملکت است و بموجب تصویب نامه که ازطرف ریاست وزراء صادرشده است وزارت فواید عامه نمیتواند اجازه قطع جنگل رابدهد مگر به تصویب هیئت وزراء و این مسئله هم در خود وزارت فوائد عامه سابقه‌دارد که هر وقت خواستند راجع بقطع اشجارجنگلها کاری بکنند باید آن اشجاررا بمزایده بگذارند و قانون محاسبات عمومی هم در این معامله نقض شده است.

این عقیده بنده بود حالا اگر جوابی دارند امروز بفرمایند و اگر ندارند بماند برای بعد.

وزیر فوائد عامه - جواب را بنده امروز خواهم داد. اولاهمینطور که آقای مصدق السلطنه خودشان پشت تریبون خواندند این تصویب نامه هست ومعتبر است ولی در قسمت اینکه این تصویب نامه چه‌چیز است و راجع بچیست شاید ما اختلاف نظر داشته باشیم

ممکن است بنده استدعا کنم تصویبنامه را ببنده مرحمت کنید؟

مصدق السلطنه - خیر ممکن نیست.

(خنده نمایندگان)

وزیر فوائدعامه - ممکن نیست ؟ بسیار خوب مرحمت شما زیاد

چون اگر بآنفر از آخر تصویب نامه مراجعه کنید خواهید دید که این تصویب نامه راجع بصدور چوبست نه راجع بقطع می گوید:

قطع و صدور. واگرراجع بصدور نمی‌بود مأمورین سرحدی را مأموراجرای اینتصویبنامه نمیکردند

این تصویب مربوط باین است که اگر کسی بخواهد چوبهای جنگلهای ایران را اعم از مال شخصی یا دولتی ببردو به خارجه حمل نماید ممنوع است

ولی در یك مملکتی که درجنگل مازندران شبانها وقتی که گوسفندمیرانند کاردمی زنند بدرختها برای اینکه درموقع مراجعت خشك شده باشد که بسوزانند در یك همچومملکتی اشجاررا برای استعمال داخلی مملکت نمیتوان طرف اعتراض قرار داد این تصویبنامه دوقسمت است که بنده نظر نماینده محترم را نسبت به آن جلب می کنم.

یکی اینکه تصویبنامه اساسش مربوط بقطع چوبهای صنعتی است ونکی هم راجع بصدور است و باین ملاحظه است که در آخر تصویبنامه مأمورین سرحدی را مأمور اجرای این تصویبنامه می کند والا اگر فرض بفرمائید دربیشه‌های داخلی مازندران یك کسی درخت قطع کند این مربوط بمأمورین سرحدی نخواهد بود.

استدعامی کنم درعرایضم دقت بفرمائید دولت اساساً حافظ ونگهبان جنگل‌هاهست و این اصل معروز و مسلم است اعم ازاینکه شخصی باشد یامال دولت باشد درهرصورت در هردو قسم آنها نظارت دارد چرا ؟ برای اینکه جنگل چیزی است که وجودش برای مملکت نافع است.

جنگل را هر مملکتی باید درخودش زیاد کند وباید حتی الامکان از کمشدن آن جلوگیری بنماید.

از طرف دیگر بنده نمیدانم آیا این اشل محرز است یانه.

چون ماقانون در باب جنگلها نداریم که این تکلیف را قطعاً معین کرده باشد وهر چه مااینجا بگوئیم نظری است ومن نمیدانم آیا این اصل مسلم است که تمام جنگلها مال دولت است یانه

جمعی از نمایندگان - خیر مال دولت نیست.

وزیر فوائد عامه - و بعلاوه حکمیت وقضاوت این مسئله هم امروز ازوظیفه بنده وافراد خارج است زیرا که بنده نمیتوانم این مسئله را امروز حل کنم وبگویم حتماً جنگلها مال دولت است مال دولت باشود یا بگویم مال دولت نیست مال دولت نشود وباید یك قانونی درباب جنگلها تهیه بشود وتحدید حدود بشود معلوم کنند که چه جنگل هائی مال دولت است وچه جنگلهائی مال شخصی است.

ممکن است مجلس شورای ملی وسایر مقامات مقننه تصمیم بگیرند که تمام جنگلها مملکتی مال دولت است.

آقاسیدیعقوب - ابداً

وزیر فوائدعامه - اجازه بدهید فرض محال که در دنیامحال نیست شمابعد درموقعی که یکهمچو قانونی آمد بمجلس وخواستید در آن مذاکره ومباحثه کنید ممکن است بعضی از آقایان یکنوع عقیده داشته باشند وعده دیگری طرزدیگر وبنده هم یك عقیده دیگری داشته باشد ولی اساساً باید یکی از این دوعقیده پیشرفت کند یا بگویند تمام جنگلهامال دولت است دراین صورت هرنوع معامله که در جنگلهای دولتی بعمل بیاید بایدبا اصول مزایده باشد وباید با اجازه مخصوص هیئت وزراء باشدو بالاخره تمام مراحل ومدارج قانونی خودش را سپر کندوهرگاه یکی ازاین مراحل راطی نکرده باشد مسلماً آن معامله ازدرجه اعتبار ساقط است.

اما اگر بعدازطی کردن تمام مراحل ثابت بشود و در مملکت ما هم مثل سایر جا های دنیا تفکیك بشود بین جنگل های شخصی و دولتی آن وقت خود آقا هم باید تصدیق بفرمایند که معاملات در جنگلهای دولتی باید بموجب ماده ۲۳ قانون محاسبات عمومی بطریق مزایده باشد ولی در جنگلهای شخصی دیگر لازم نیست رعایت این اصل نخواهد بود و منوط بمیل صاحب جنگل است.

وبنده امروز نفیاواثباتاً نمیتوانم اظهار عقیده کنم.

ولی عقیده خودم این است کلیةهرچه

جنگل در این مملکت هست مال دولت نیست •

ممکن است جنگل مال دولت باشد و ممکن است مال مردم هم باشد •

اما اینکه فرمودند بنده گفته‌ام (با حفظ نظریهٔ خود) آن نظریهٔ چه بوده است ؟

این بوده است که قبل از صدور این مراسله (بنده نمیدانم آقا چرا از آن کسی که این اسناد را خدمتشان تقدیم کرده است سابقه مفصل تر این کار را نخواستند) پس از آنکه اطلاع یافتیم که در طوالش گیلان قراردادو معاملاتی راجع بجنگلها می‌شود نوشتیم بمأمورین گیلان و همینطور بوزارت خانه های مختلف نوشتیم که به مأمورین خودشان خاطرنشان بیایند که هر نوع معاملهٔ بتصویب دولت بشود از درجه اعتبار ساقط است •

ما این را صراحةً نوشتیم و اخطار کردیم و مقصود از این نظریه سابق عبارت از همان نشناختن کلیه معاملاتی است که بدون تصویب دولت بعمل آمده است •

پس در این صورت بنده خیال میکنم از این نقطه نظر اشکال و اعتراض آقا وارد نیست •

و اگر یک کسی بیاید درختهائی از اشخاص متفرقه بخرد و برای صدور بخارجه هم نباشد که مشمول این تصویب نامه بشود و برای استعمال داخلی باشد و مقید کنند او را که در مقابل هر درختی که از مردم خریده است یکعدد درخت غرس نماید و بالاخره اگر مقدار درختی که قطع میشود بطوری غیر قابل اهمیت باشد که صدمه بجنگل نرساند خیال میکنم این اعتراض متوجه نباشد •

مصدق السلطنه - بنده از آقای وزیر فوائد عامه متشکرم که جواب مرحمت فرمودند •

ولی بطور اختصار عرض میکنم که نامه مربوطه بخروج از سرحد نیست و اگر تصویب نامه مربوط بخروج از سرحد بود بوزارت مالیه مینوشتند که وزارت مالیه به گمرک دستور بدهد و این تصویب نامه خطاب بوزارت فوائد عامه و فلاحت و تجارت است و مربوط به آن وزارت خانه است و بعلاوه دولت درخود تصویب نامه اش تصریح کرده است که (مادام که قانون مخصوص برای حفظ و نگاهداری محصول مواد جنگلی وضع نشده است قطع اشجار صنعتی و صدور آن بخارجه اکیداً ممنوع است)

پس هم قطع و هم صدورش را ممنوع کرده است و برای قطع بوزارت فوائد عامه نوشته‌اند و تصویب نامه را آن وزارت خانه ابلاغ کرده‌اند و در این صورت بازهم وزارت فوائد عامه اجازه برای قطع اشجار صنعتی داده است و عین عبارت مراسله که خوشتاریا بوزارت فوائد عامه مینویسد این است که بنده قرائت می‌کنم :

مینویسد:

مقام منیع وزارت جلیله تجارت و فلاحت و فوائد عامه دامت شوکته •

چون مقداری از اشجار جنگلی را که اینجانب از مالکین طوالش گیلان برای قطع خریداری نمودم فعلا محض فروش لازم شده است قطع نمایم •

لذا بانهایت توقیر و احترام متمنی است قدغن فرمائید که بر طبق اصول عمومی اجازه قطع ۵ هزار درخت بلوط و ده هزار درخت دیگر را در این جنگلها برای اینجانب صادر فرمایند •

و خودشان هم معین کرده‌اند که درخت بلوط صنعتی است و سایر درختها غیر صنعتی است •

بنابراین گمان میکنم که برخلاف این تصویب نامه عمل شده است و بعد راجع بمزایده فرمودند •

در مزایده هم بنده عقیده‌ام این است که اشخاصی که میخواهند چیزهائی بخارجه حمل کنند اگر در تعرفه گمرکی برای صدور از مملکت یک تعرفه ثابتی باشد البته فرق میکند هر کس یک چیزی را بخواهد از داخل بخارجه حمل نماید البته میتواند •

ولی حالا بنده این درست نظرم نیست که در تعرفه گمرکی نسبت باین درخت های صنعتی یک چیز معینی هست یا نه •

اگر در تعرفه گمرکی هست البته هروقت بخواهند بخارجه حمل نمایند آن را میبردازند

ولی اگر نیست باید بمزایده بگذارند زیرا شاید اشخاصی باشند که بیش از آن مبلغ بدهند •

وزیر فوائد عامه - دلیلی را که آقای مصدق السلطنه اقامه فرمودند که چون مطلب ابلاغ بوزارت فوائد عامه است و اگر فقط مربوط بصدور از سرحد بود

بوارت مالیه مینوشتند کافی نبود و برای تکمیل اطلاع ایشان مجبورم عرض کنم که در ۱۲۹۸ بین وزارت فوائد عامه و وزارت مالیه قراردادی منعقد شده است که وزارت مالیه برطبق آن قرارداد اجازه صدور از گمرک را هم مو کول بوزارت فوائد عامه نموده‌اند و در اسد ۱۳۰۲ بموجب مراسلاتی که مابین وزارت مالیه و وزارت فوائد عامه مبادله شده است

همین اجازه ثانیا تصویب شده است

پس علت اینکه این کاغذ را بوزارت فوائد عامه نوشته اند از این نقطه نظر بوده است

که در موقع صدور از گمرک باید با اجازه وزارت فوائد عامه باشد

اما این که راجع بمزایده فرمودند که اگر در تعرفه گمرکی حقی معین شده است آن حق اخذ می‌شود

و اگر حقی معین نشده است باید بمزایده گذاشته شود •

بنده خیال میکنم که مابین مزایده و تعرفه گمرکی یک رابطه موجود نباشد

قطع نظر از اینکه چیزی بخارجه حمل بشود

(بنده که قضیه و مطلب را وسیع تر گرفتم و گفتم قطع نظر از اینکه یک موادی بخارجه حمل بشود و یا در داخله مصرف شود اگر مال دولت است باید بطریق مزایده باشد

زیرا ممکن است یک کسی بیک مبلغ بیشتری بخرد •

و بهمین جهت که ماده ۲۳ قانون محاسبات عمومی فروش مسائل را مو کول بمزایده میکند و در خریدن بمناقصه و این مربوط ببودن یا نبودن حقوق گمرکی یا معین شدن حقوق گمرکی برای صدور یک چیزی بخارجه نیست و این تصویب نامه از نقطه نظر صدور بخارجه است و از نقطه نظر تعیین حقوق گمرکی و عدم تعیین آن نیست و چون در این باب زیاد توضیح دادم دیگر نمیخواهم تکرار کنم

ولی در هر حال اجازه صدور بخارجه داده نشده است •

نایب رئیس - آقای کازرونی

(اجازه)

کازرونی - اولا بنده خیلی ممنون و متشکرم از آقای وزیر فوائد عامه که قبل از اینکه سابقه و اطلاع از سؤال من داشته شد حاضر شده‌اند برای جواب

سؤال بنده که راجع براه شیراز است الی بوشهر و آقای آقا سید یعقوب هم در آن باب اظهاری فرمودند •

لیکن چون بنده گمان میکنم اطلاعاتم در این موضوع بیشتر باشد

و البته عیب و ضرری هم ندارد

اگر بنده اطلاعاتم از وزارت فوائد عامه نظر به اینکه محسوساتی دارم بیشتر باشد دولت همیشه اوقات متوجه بوده است که ایجاد راه های شوسه مسطحی بکند و تنها وسیله ئیکه امروز برای ترقی اقتصادیات ما ممکن است تهیه تسهیل عبور و مرور و همین راهها است و اتفاقاً راه از بوشهر تا شیراز هم یکی از راههای بسیار سخت و مهم است که از قلل جبال بیطون اودیه که جا های بسیار سخت و صعب العبوری است آن هارا تسطیح کرده‌اند و برای ما هم فوق العاده گران تمام شده است

و در اثر یک اتفاقاتی یک خسارات فوق العاده که براهالی فارس وارد آمده این راه برای آنها تهیه شده و حالا دارد از بین میرود و البته بایستی تمام مساعی بجهت حفظ و نگاهداری این راه مبذول شود و حتی اگر دولت بخواهد این راه را نگاه دارد و از هیچ راه هم عایدی نداشته باشد بایستی از مالیات عمومی خرج کند و این راه را نگاه دارد

ولی بنده این اندازه هم متوقع نیست بنده متوقعم همان پولیکه از محل عاید می‌شود بجهت نگاهداری خرج شود و اضافه‌اش را مزید بر دولت کنند

بنده مطابق اطلاعی که دارم سالی تر از صد هزار بار از بوشهر وارد نمی‌شود • • •

آقاسید یعقوب - بیشتر است

کازرونی - بنده سعی میکنم اغراق دور باشم •

بموجب اطلاعی که دارم سالی هزار بار وارد شیراز میشود ولی اطلاعات این موضوع که میخواهم عرض کنم کافی نیست •

آنچه میگویند باری نه قران از بوشهر تا شیراز از چهار یا دار گرفته میشود •

اگر این طور است ممکن است در نود هزار تومان عاید دولت بشود و خرج این نود هزار تومان ده نیم متر یک کاف است و از روی این تخمین سالی هشتاد هزار تومان عایدی باشد •

کمتر باشد پنجاه هزار تومان •

در هر صورت از این پنجاه هزار تو اگر سالی پانزده هزار یا بیست هزار تومانش صرف نگاهداری راه میشد راه کاملا نگاهداری میشد و سال بسال هم تو پیدا میکرد •

ولی متأسفانه این اطلاعم کامل ا که یکدینار در این راه خرج نشده ا و بدبختانه بواسطه حادثه و اتفاقاتی که پیش آمده یعنی در اثر باران زیاد و عظیمی که آمده است بکلی خراب است و اگر اندک مسامحه بشود بنده قطعی میدهم که با دویست هزار تومان دولت نمیتواند این راه را تعمیر نماید راه برای ما یک میلیون تومان خ دارد و این یک کاریست که دولت باید در نظر داشته باشد که این راه را ت کند •

حالا فرمودند پنج هزار تومان خ داریم در بودجه سنه آتیه برای تعمیر این اعتبار پیش بینی کنیم •

بنده عرض میکنم لازم نیست در بودجه پیش بینی کنند از همان پولی که این راه میگیرند خرج تعمیر آن بکنند بعلاوه پل هائی را هم که فرمودند پل نیست و یک پل است که آن را یک نفر شیرازی در والکی احداث نموده است که پل راهم اگر امروز بخواهند درست کند صد هزار تومان کمتر خرج ندارد و یک مقدار از این پل خراب شده که فرمودند پانصد تومان برای تعمیرش باید صرف شود بنده تقین دارم که این مبلغ بهیچوجه کافی نیست •

زیرا این پل یکی از پل های بسیار

است •

این بود که خواستم از وزارت فواید عامه بعنوان سؤال استدعا کنم که یک بذل توجه مخصوصی در این باب بفرمایند و از عواید همان راه یعنی از همان عوایدی که برای دولت داشته خرج تعمیرات لازمه این راه بکنند و این راه را برای فارسها بلکه برای تمام اهالی ایران نگاهداری نمایند زیرا اگر بیش از این طول بکشد بنده یقین دارم که بکلی از بین خواهد رفت و بلکه بدتر از روز اول تعمیرش خواهد شد •

وزیر فوائد عامه - بنده متأسفم از اینکه نمیتوانم این فرمایش و این درخواست و خواهش آقای کازرونی را بپذیرم که از عوائد خود راه یک مبلغی را تخصیص بدهند و بتعمیر این راه زیرا اگر ما این اصل را قائل بشویم و بگوئیم هر محلی که خودش یک عائدی دارد یک مبلغی از آن عایدات برای مخارج خود آن محل تخصیص شود و آنوقت یک اصل کلی از تمرکز عایدات است از بین میرود

ممکن است معلی سیلیونها عایدی بدهد ولی بالاخره یا نصد تومان ادهم نتواند برای خود آن محل خرج کند

بنده عقیده خودم و نظریه خودم را در باب باج راه‌ها مکرر در مجلس عرض کردم که بعقیده بنده یکی از مسائلی که برای تجارت و ترقی و اقتصادی مملکتی بد است و مانع پیشرفت این مقصود است باج های موجوده در راهها است و هروقت که دولت ایران از نقطه نظر استغنای از باج راه بتواند این باج هارا موقوف کند آنروز یک خدمت شایان و بزرگی بترقی اقتصادی و تجارتی مملکت کرده اما در همان حال فراموش نکنید که عوائدی که از همین راه خیلی مهم که بنده خودم هم باهمیت آن پی برده ام و کاملا هم تصدیق می کنم بدست می آید جزو عوائد عمومی مملکت می‌شود و ماهم که نمی‌دانیم چه مبلغ از عایدات مال اینراه است ماهمین قدر می‌دانیم که مملکت ما بیست و سه میلیون و کسری تومان عایدات دارد و از این مبلغ هم یک مقداری برای مخارج راهها تصویب می‌شود و خرجی هم که برای طرق و شوارع تصویب شده است معین است

حال یک اتفاقات آسمانی پیش آمده است و این راه را خراب کرده است و همان طوری که عرض کردم پنجهزار تومان برای تعمیر این راه برآورد شده است و این اعتبار را باید در سنه ۱۳۰۴ بدست آورد و ساخت •

کازرونی - عوائدی که مخصوصاً از راه شیراز تا بوشهر حاصل می‌شود جزو عوائد عمومی دولت نبوده است

یک راههائی با یک حوادثی بجای خون بهای عده زیادی ساخته شده است و حالا بنده عرض میکنم این راه مال دولت

ماهم تصدیق میکنیم اما آقای دولت نگاهش بدار و استفاده هم بکن میفرمایند عوایدش جزو عواید عمومی شده است

متأسفانه بنده عرض میکنم اگر تعمیرش نفرمائید و نگاه ندارید دیگر فرداهایدی ندارد که دولت از آن استفاده نماید لااقل دولت از همین عوائد خودش یک مبلغی خرجش کند و این زاه شوسه را که دارد تعمیرش کند و اینهم منافات با مرکزیت دادن بعواید مملکتی ندارد

نایب رئیس - چون عده کافی برای مذاکره نیست تنفس داده می‌شود

(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)

نایب رئیس - شود در کفایت قانون ممیزی مطرح است •

آقای شیروانی

(اجازه)

(جمعی گفتند مذاکرات کافی است و بعضی میگفتند کافی نیست)

نایب رئیس - بر پر وزرای گرفته شد و معلوم شد که مذاکرات کافی نیست و ایشان هم قبلا اجازه گرفته بودند •

شیروانی - امروز الان ظهر ۲۶ دلو است سه روز است که وارد سال دوم مجلس شورایملی شده‌ایم

آقاسید یحیی الدین - دوره پنجم

شیروانی - بلی دوره پنجم از ابتدای دوره تاحال که یکسال تمام می‌شود این جا تابلوئی داریم که صورت قوانین تصویب شده را مینویسد و در آن تابلو عده رسیده است بهشت نمره قانون و اغلب این قوانین تصویب شهریه و بعضی مستمریات و این قبیل ها بوده است و یک قانون هم راجع بپست و تلگراف بوده است که آن راهم کمیسیون تصویب کرده بود و آوردند اینجا و ماهم یک رأی دادیم اینها کارهائی بوده است که مجلس از نقطه نظر قانونگذاری در این مدت یکسال تصویب کرده است

حالا شاید یک کارهائی هم درضمن شده باشد ولی مربوط بما ها نیست یا مثلا یک اشخاصی یک کارهای مهمی در مملکت کرده‌اند و یک مقاومت هائی در مقابل یکدیگر کرده‌اند •

ولی اینها مربوط بقانون گذاری مجلس نیست و بنده خیلی متأسفم از این وضعیت و اگر از ما یک سؤالاتی در باب شود ما در مقابل جواب نداریم •

الان تقریباً ده روز است قانون ممیزی بمجلس آمده است و دو نفر ناطق مخالف و چند کلمه هم مخبر محترم در اطراف این قانون مذاکره فرموده‌اند و تا عنوان کفایت مذاکرات هم می‌شود وفوراً می‌گویند مذاکرات کافی نیست •

بنده نمیدانم علت عدم کفایت مذاکرات چیست؟

بنده نمی گویم حتماً این قانون یک قانون ما انزل الله است و در او نمی شود حرف زد •

البته باید حرف زد و در هر ماده پیشنهادات باید بشود و بالاخره آن حسی که در بنده و دیگران هست بقول آقای تدین اگر شهوت کلامی در بین نیست ممکن است بپیشنهاد بفرمایند و در طی پیشنهاد عقاید خودشان را بفرمایند نه اینکه حتماً در کلیات اینقدر حرف بزنیم تا اینکه این قانون بمیرود و بکلی از بین برود •

بنده خودم یکی از طرفداران کفایت مذاکرات بودم •

ولی چون آقایان کافی ندانستند حالا از موقع خودم استفاده میکنم فرض میکنم این قانون یک قانون بدی است •

یا از نقطه نظر منافع یک دسته خوب است و از نقطه نظر منافع یک دسته دیگری بد است •

بالاخره آن چیزی که در مجلس حکم فرماست و قاطعیت دارد رأی اکثریت مجلس است •

پیشنهادات می‌شود اکثریت مجلس هم صالح است که بگوید این پیشنهادات صحیح است و باید مثلا این ماده را تغییر داد والا ما اینقدر این قانون را معطل کنیم و در اطراف آن صحبت کنیم گمان میکنم این در خارج یک اثرات خوبی نداشته باشد •

ما میخواهیم مضار و منافع این قانون را در اول بسنجیم بعد به بینیم که اساساً رد کردن این قانون با وضعیات این مملکت نافع تر است یا باقی ماندش بنده عقیده‌ام این است که رد کردن این قانون را هم خود مخالفین اقرار کنند که مضر است برای اینکه ممکن است از این وضعیت فعلی و مالیات گذاری فعلی در ایران بنده استفاده کنم •

و چون صد سال است ممیزی شده و دهات بنده ممکن است اتفاقاً هیچ مالیات نداشته باشد •

بنده بجرئت میتوانم بگویم که یک ثلث املاک این مملکت مالیات نمی‌دهند البته آن شخصی که املاک و اراضی دارد و مالیات نمی دهد علاقه‌مند است که این قانون نگذرد •

ولی یک کسی که مالیاتش زیاد است و سنگین است با این وضعیت مالیات گیری که می‌بیند آن شخص البته مایل است بگذشتن این قانون و البته آقایان اگر عیوباتی در این قانون می‌بینید ممکن است نظریات شان را بفرمایند ما هم میخواهیم سنجش کنیم این قانون را و نمی گوئیم حتماً این قانون بدون کلمه کم و زیاد بگذرد •

اگر تغییر یا تبدیلی موادش پیدا کند موافقین با گذشتن این قانون چون نظری ندارند و مقصودشان این است •

ممیزی شود نخواهند حرفی زد - بنده عرض میکنم اگر چنانچه یک قانون ناقصی هم از مجلس بگذرد بهتر است تا اینکه در مملکت ممیزی نشود برای اینکه اولا مراجعه می کنیم بفرمایشات آقای تدین که در اول جلسه فرمودند •

بنده تقریباً یکی از جهات عمده این وضعیت را نداشتن یک طرز متحدالشکلی مالیات گیری میدانم و الا ممکن نیست وزارت مالیه بتواند یک همچو اعلانی بدوایر خودش بدهد که هر امین مالیه که صد تومان پول برای دولت پیدا کرد بیست و پنج تومانش را بخود پول پیدا کننده بدهند - این را چطور میشود ؟

برای اینست که قانون در مملکت نیست و چون یک اصول منظم و متحدالشکلی نیست یکنفر امین مالیه درشیراز میگوید در زمان کریم خان زند معمول بوده که از دول دوز مالیات میگرفته اند و تا مردم آنجا میآیند بوکلای محترم فارس بنویسند و جواب بگرند یک عده از مردم زبردست و پای مأمورین له میشوند •

پس عجالتاً اگر از نقطه نظر بعضی اشخاص بد است وضع این قانون از نقطه نظر بعضی اشخاص دیگر خوبست بنده در همین روزهائی که قانون ممیزی، مطرح بود این کاغذ را از وزارت مالیه دریافت کردم رعایای یکی از بلوکات اصفهان یک شکایاتی کرده‌اند که ممیزی باید بشود و شاید خدمت سایر آقایان هم این شکایت رسیده باشد برخوار اصفهان یک جائی است که تصور میکنم اگر هم ممیزی بشود آن اندازه ها تغییراتی پیدا نکند برای اینکه مالیه اصفهان نسبت بجا های دیگر بهتر است •

با این حال رفته‌اند مطابق میل و دماغ خودشان یک دهاتی را ممیزی کرده‌اند بدون تصویب مجلس شورای ملی و بعنوان اینکه مالیاتشان کم است آن جاها را ممیزی میکنند •

این هم کاغذ رسمی بامضای آقای ذکاءالملک پیش بنده است مینویسد ثانیاً وزارت مالیه عواید املاک کم مالیات را (خودش عقیده‌اش این شده است که کم مالیات است) • ولی مالیات را بر آورده نموده عشر عایدات خالص را بعنوان مالیات دریافت میکنند •

در صورتیکه مالک بممیزی اولیه اعتراض داشته باشد در حدود مقررات اداری مجاز می‌باشد که تقاضای تجدید نظر نماید •

با این ترتیب تصور نمیرود که اقدام خلاف قانونی در این موضوع شده باشد • ممیزی مطابق نص قانون اساسی از حقوق خاصه مجلس شورای ملی است و وزارت مالیه دارد این حق را از ما سلب میکند •

خودش رفته هر کجادلش میخواهدممیزی میکند.

حرفش هم این است که میگوید یك قانونی بدست مابدهید تامطابق آن قانون رفتار بکنیم.

این هم یك حرفی است.

ولی قبل ازاین که ما قانون باو بدهیم درهرصورت اوحق ندارد ممیزی کند وهر چه میکند خلاف قانون است.

پس هرچه زودتر لازم است ما این قانون را بگذرانیم که این اشکال برطرف شود.

یکی دیگرمسئله تعدیات امناء مالیه است که اگر ما رجوع کنیم بکمیسیون عرایض صدی هشتاد ازشکایاتی که به کمیسیون میرسید ازوزارت مالیه است و صدی بیست ازسایر وزارتخانه‌ها ودوائر دولتی است وعلتش هم این است که یك ترتیب ورویه صحیحی دراخذ مالیات نیست وهرطور دلشان خواسته رفتار کرده اند بالاخره آخرسال هم یك بودجهٔ چهاردیواری آورده‌اند پیش ما بالایش نوشته بیست و چهار میلیون عایدی ومیگویند اگر هم تصویب نکنید ادارات همه میخوابدمجلس هم مجبوراست تصویب کند.

برای این که آخرسال است وفایده ندارد.

وزیرهم صراحتاً یامیشود و میگوید اگر هم تصویب نکنید اثری ندارد ما گرفته‌ایم ودرآخرسال بودجه را میآورد وبتصویب میرساند.

آنوقت میگویند مجلس رأی داده باین بودجه وما میتوانیم این مالیات را بگیریم چون مجلس رأی داده‌است.

پس اگر مایك مالیات متحدالشکلی داشته باشیم که تمام مملکت یك جورمالیات بدهد هیچ امین ماله نمی تواندابن تعدی رابکنند.

چون معین است هرفردی که دارای هرچند جریب زمین است روی این اصلی که شما تصویب میکنید فلان مبلغ در سال بایدبدهد وباین شخص آنوقت نمیتوانند یك شاهی تعدی کنند.

الان دراصفهان ما دوازده سال است دوازده هزار تومان اختلاف بین مالکین ووزارت مالیه درمالیات هست.

هروقت وزیرمالیه زوربیدا کرده واز آمریکا قوه برای خودش آورده از مردم بزور گرفته وهروقت مردم زورداشته باشند هیچ.

اگرچنانچه این قانون بگذرد ویك نواخت ازهمه مردم دراین مملکت مالیات میدهند وبعضی جاها هیچ نمیدهند و در ضمن تصویب این قانون آن عایدات هم برای دولت پیدا میشود ودر عوض یك جاهائی که مالیاتش زیاد است کم می‌دهند.

یك جهت دیگر که لازم است این قانونرا تصویب کنیم.

این است که بعقیده بنده مالیات درایران کم است.

حالا ممکن است این جا عقایدمختلف باشد بنده عقیده‌ام این است مالیات در ایران اگرعادلانه گرفته شود سه برابر حالیه دولت ممکن است عایدی داشته باشد ومردم هم بهترشانه زیربار این مالیات ها میدهند وعوائدمملکت ازاین اندازه زیادمی‌شود واین سؤالاتی

هم که از دولت ها می‌شود برای تعدی امنای مالیه همه ازبین میرود و کارها هم بدون سؤال انجام می گیرد

راه آهن جلفا درست میشود

راه شیراز هم تعمیرمی‌شود..

آقاسید محیی‌الدین-میزوصندلی زیاد می‌شود.

شیروانی- خیر میز وصندلی زیادنمی شود برای این که وقتی میزان مالیات در مملکت معلوم باشد

درقمشه که فلان قدرمالیات دارد دیگر یازده صندلی نمیخواهد یك نفر میرود آن جا یازده هزارتومان مالیاتش است

فصل میکند مردم هم می آیند خودشان مالیات را میدهند

این صندلیها که هست برای اختلافات است که فلان شخص میگوید مالیات من این قدرنیست فلان کس میگوید مثلا مالیات من چقدر است وباید این چند نفر رسیدگی کنند.

ولی وقتی که مالیات یك نواخت ومتحدشد این صندلی‌ها کم می‌شودوشاید درجاهای دیگر که برای مملکت هم فایده دارد یك صندلی هائی گذارده‌شود

ودرهرحال بنده گمان میکنم این قانون برای مملکت نافع باشد

بنابراین این‌ها مضراتی است که از تاخیر تصویب این قانون تولیدخواهدشد

واما منافعش این جا آقای وکیل‌الملك (بنده یك یادداشتی کرده‌ام

اگرچه درست فرمایشات ایشان درنظرم نیست ولی همین قدر میدانم که درمذاکرات خودشان یك صحبتی از رعایا و زارعین کردند وخیلی هم طرفداری از آنها کردند که نباید آنها مالیات بدهند.

بنده در این قانون ملاحظه میکنم می‌بینم که اولا این عنوان ندارد که ازرعایا مالیات گرفته شود.

اما اگر میفرمایند بطور کلی نوشته ازعین صدی چهارونیم بگیرند؟

درمالیاتی که بر اراضی وآب تحمیل می‌شود.

بعقیده بنده ازعشر کمتر نباید گرفت منتهی این جاعقاید مختلف است بعضی میگویند مالیات رااز عایدات باید گرفت بعضی هامیگویند ازعین بنده موافقت میکنم با آقایانی که‌ما میگویند از عایدات باید گرفت

واین که میگویند این سبب خواهد شد که‌دولت برای هرده یك دفتری باز کند ومطابق آن دفتر برعایدات مالیات وضع کنداینطور نیست منتهی بنده‌میگویم مالك بارعیتش هرمعامله داشته خواهدبکند تقسیماتی که بین زارعین ومالکین هست هر چه میخواهدباشد

ماروی همرفته صدی پنجاه وپنج خرج برای بدست آوردن محصول ازآب و خاك مجزا میکنم وازصدی چهل و پنج که باقی مانده وعایدی است ازاو مالیات میگیریم.

کازرونی-کم است.

شیروانی-آقای کازرونی درخارج هم میفرمودند کم است و باید از عین گرفت.

ولی چون می بینیم گذراندن این صدی چهارونیم هم دراین مجلس شاید قدری پایش لنك باشد این است که بچهارونیم قناعت میکنیم وبطور کلی باید گفت برای بعمل آوردن محصول درمملکت ایران صدی پنجاه وپنج خرج وبذرو گاوتعلق میگیرد واز این قبیل چیزهائیکه در اصطلاحات زراعتی معمول است وصدی چهل و پنج که عایدی خالص است باید از آن مالیات گرفت..

وکیل‌الملك-همه جاصدی چهل و پنج بمالکین نمیرسد.

شیروانی-میفرمایند همه جا این طورنیست ودرتقسیم بین مالك ورعیت اختلاف است.

باید فلسفه این اختلاف رافهمید.

بیخودی که نیست.

فلسفه این اختلاف را آقایان فرمودند یکی دوفقره آن راهم بنده عرض میکنم

دراین جا صحبت شد که اصفهان ازاین طریق ممیزی استفاده میکند برای این که ارباب دو سهم میبرد و رعیت یکی

اینطورنیست واولا درتمام اصفهان این طریق تقسیم معمول نیست ودربعضی جاهاین طوراست ودرآنجا هائیکه هم این طور است.

کارهای زراعتی را ارباب متحمل می می‌شود

رعیت فقط مزد دست رنج خودش را میگیرد ودرسایر جاها شایداینطور نباشد که بعنوان دست رنج رعیت ثلث بگیرد

دراغلب جاها بعنوان دست رنج خمس برعیت میدهند ودراصفهان چون بعضی مخارجات جزئی هم متوجه رعیت است از این جهت یك ثلث برعیت داده می شود و دوثلث ارباب میبرد

واگر درتقسیمات یك اختلافاتی هست درآنها دولت نمیتواند دخالت کند وفلسفه‌اش این است که یك جا خرج را ارباب میدهد یك جا رعیت میدهد

آنجائیکه میفرمایند رعیت جوارتاه میبرد

اربـاب و یکی برای این است که علاوه برمخارج مالیات راهم رعیت عهده دار است

اگر آقایان اجازه بدهند بنده هم چون موافقم که برای معاملات بین ارباب ورعیت یك قانونی نوشته‌شود.

(همهمه بین نمایندگان)

شیروانی-خوب اگر آقایان میل ندارند که دخالت درتقسیمات آنها بشود ومالك هرچه میخواهد توی سررعیت بزند پس چرا؟

(همهمه نمایندگان)

شیروانی-بنده عقیده‌ام این است دولت حق مداخله دارد

بعضی ازنمایندگان-حق ندارد.

شیروانی-بنده هم تصدیق می کنم دولت مادولت اسلامی است

پس اگر میخواهیداین حق را از دولت سلب کنید چرا این حق رامیخواهید قائل شوید که بیائید

حساب کنید که رعیت چقدر باید بیردوارباب چه‌قدر.

بنابراین هیچ جا دولت حق ندارد مداخله کند بنابراین این جا جوش رعیت زدن فایده ندارد وبنده باهمان فرمایش آقای مشاراعظم موافقم که اگر چندین برابرهم شماماليات وضع کنید رعیت مالیات نمیدهد.

البته باید ارباب رعیت را راضی کند وسهم او را بدهد که بتواند زراعت کندوازاو نگاهداری کند پس رعیت مالیات بده نیست.

اینجا می‌بینیم یك نظر موافق و یك نظرمخالف است وآقایان مخالفین حساب کرده‌اند که در کجا بضررمالك مالك تمام میشود ودر کجا بمنفعت مالك

بنده چون این حساب را نکرده‌ام که این قانون مثلا درجنوب بمنفعت مالك تمام میشود یادر شمال بضرر مالك یادر شرق چه میشود ودر غرب چه میشود لهذا این است که موافقم بااین قانون چوب حساب نکرده‌ام ودولت هم نظرش این نبوده.

فقط دولت خواسته است از محصولی که ازازمین بیرون میآید صد چهارونیم بگیرد وبقیه زامطابق میل آقای رضوی بگذارد بعهده خودمالك ورعیت که هرچه دلش میخواهد مالك بارعیت بکند وبهمین دلیل است که کمیسیون هم قائل شده ازعین گرفته شود ودیده است اگر بخواهد داخل اختلافات بین ارباب ورعیت شود ممکن نیست وبالاخره بعقیده بنده اگر دولت بخواهد پس از وضع مخارج ارباب ملك ازاو مالیات مطالبه کند یك مبلغی هم مالك ازدولت طلب کار میشود.

در اینجا آقای مشاراعظم فرمودند

که مالکین خدمت باین مملکت میکنند و شرحی از فضائل مالکین بیان فرمودند.

بنده تصور نمیکنم کسی مخالف بااین عقیده باشد وبنده مخصوصاً خودم یکی از اشخاصی هستم که باین مسئله معتقدم زیرا این مملکت چیزدیگری ندارد غیر از آب وزمین آنهم بدست مالکین است و یك صادراتی برای این مملکت تهیه میکنند ولی این مربوط باین نیست که چون مالکین آدمهای خوبی هستند مالیات کم بدهند.

مالکین درعین اینکه آدمهای خوبی هستند وبنده هم خیلی ارادت خدمتشان دارم بایدمطابق فائده که میبرند مالیات هم زیادتر بدهند.

یك حسابی آقای وکیل الملك فرمودند که بنده هم آن حساب را یاد داشت کرده‌ام.

فرمودند پنج میلیون وکسری مالیات مستقیم است وبعضی چیزها هم ازش موضوع کردند بعدفرمودند یك میلیون و ششصد هزار تومان مالیات ارضی درایران گرفته میشودو این یك میلیون و ششصد هزار تومان رافرمودند چون مالیات خیلی کم است اگر مأخذ مالیات رایائین بیاوریم یعنی عشر ازعایدات رابگیریم ازاین مبلغ بیشترخواهد شداینطور فرمودند.

بنده خیلی مسرور شدم که آن روز مسبوق شدم در این مملکت ازسرحد جلفا تابوشهر وازشرق تاغرب ازصاحبان اراضی فقط یك میلیون وهشتصدهزار تومان مالیات میگیرند وبقیه مالیاتهارا بایدشخاص دیگر بدهند وبنده چون عادت ندارم هی سنك رنجبررا بسینه بزنم عرض میکنم سایر افراد این مملکت بیست و دومیلیون مالیات ومطابق فرمایش آقای وکیل الملك یك میلیون وهشتصد هزار تومان صاحبان اراضی مالیات می‌پردازند وبعقیده بنده وقتی قانون ممیزی عمل بشود این مقایسه بهم خواهد خورد ومالیات اراضی درایران پنج برابر حالیه خواهدشد.

حسابش را هم کرده‌ام واگر بعضی ازآقایان هم پیشنهاد کنند که مأخذ مالیات ازاین صدی چهار ونیم هم پائین تر آورده شودباز هم زیادتر خواهدشد.

بنده خودم اینطور تصور میکنم.

اماراجع بدیم فرمودند وبنده داخل نمیشوم دراینکه دیم اصلا چیست آنها مسائل دیگری است ولی بایدفهمید این گندم هائی که از قلل جبال وبطون اودیه بفرمایش آقای کازرونی بیرون میآید آن ارباب قلل جبال و بطون اودیه چه میکنند.

اینکه فرمودند چهاربرابر رعیت برد ویك برابر ارباب علتش این است که همه کار آن جاباخدا است و بعدبا رعیت دراین جایکی پیدا شده است میگوید این کوه مال من است و ماهم آن کوه را مال او می‌شناسیم ولی بالاخره تفاوت بین اینجا و آنجاهائی را که آب را از تهزمین بیرون می آورند یا مثل اصفهان ما که از زمین رست وکج گندم می آورند بایدسنجیددرآن جا که دوثلث رعیت می برد و یك ثلث ارباب برای این است که مالك آنجاها توی خانه‌اش خوابیده نه رعیت می شناسد و نه ده میداند...

(همهمه بین نمایندگان)

آقا سید حسن اجاق- اینطور نیست.

شیروانی-آقای اجاق اجازه می‌دهند بنده عرایضم راعرض کنم بعد ایشان اگر فرمایشی دارند می آیند اینجا و فرمایش خودشان میفرمایند.

بالاخره بعقیده بنده آن قلل جبال و بطون اودیه که مال آقایان است آنها یك برابر میگیرند و ٤ برابر رعیت.

برای اینکه کار نمی کنندو رعیت کار میکند و اگر کمیسیون قائل شد که از آن جا ها یکقدری زیادتر مالیات گرفته‌شود برای این است که در جاهائی که آب قنات و رودخانه دارد از این پنج رکن زراعت یکیش را هم ارباب میدهد.

از این جهت مالیات آن جا هاراکم قرار داده‌اند.

در هرصورت بنده حتماً عرض نمی‌کنم که این قانون یك قانونی است که از آسمان آمده وبایدحتماً اجراشود.

بنده عرض میکنم که در دوسه جای این قانون خودم هم مخالفم و پیش نهاد خواهم کرد.

ولی در کلیات چقدر بایدحرف زد؟ دومخالف سه چهار روز حرف زده‌اند و یکنفر موافق هم نیم ساعت حرف زده به عقیده بنده حالا دیگر خوب است مذاکرات کافی شود.

بعضی ازنمایندگان- مذاکرات کافی است.

(بعضی گفتند کافی نیست)

نایب‌رئیس-رأی می گیریم...

شیخ‌الرئیس-بنده مخالفم با کفایت مذاکرات.

نایب‌رئیس-بفرمائید.

شیخ‌الرئیس-اگر قانون ممیزی در دوره دوم و دوره سوم و دردوره چهارم مطرح بوده بما مربوط نیست ودوسه جلسه بیشتر نیست که این قانون بمجلس آمده است و یك مدتی هم وقت مجلس که بسؤالات و مذاکرات قبل از دستورصرف شده و نیم ساعت بیشتر نیست که در این قانون امروزصحبت میشود.

این قانون یك قانون مهمی است و برای سعادت آتیه مملکت وضع شود وهر روز هم نمی شود این قانون را تغییر داد.

در قانون علائم صنعتی وراه بندرجز بیست روز صحبت میشود.

در این قانون هم باید قدری بیشتر صحبت شود و آقایان مطلع هستند که این یك چیزی نیست که بفوریت و بدون صحبت و مذاکره بشود به آن رأی داد!! تایك نفر حرف خودش را تمام می کند فوراً میگوید مذاکرات کافی است این وضع جدیدی است که در این مجلس پیدا شده!!

چقدروقت مجلس صرف قوانین کوچك شده بگذارید لااقل پنجروزهم در کلیات این قانون صحبت شود و بعقیده بنده گرانبهاترین اوقات مجلس همان مواقعی است که صرف این قانون میشود و بعقیده بنده باید لااقل بیست روز این قضیه در مجلس مطرح باشد تامطلب خوب حل شودو این مسئله اهمیتی ندارد.

زیرا در یك قانونی صحبت زیادشده است که محل ابتلاء عموم مردم است بنابراین بنده باکفایت مذاکرات مخالفم.

نایب‌رئیس-رأی میگیریم بکفایت مذاکرات آقایانی که مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند.

(عده قیام نمودند)

نایب‌رئیس-معلوم می‌شود کافی نیست.

شیروانی-اکثریت بود.

نایب‌رئیس-تشخیص باهیئت رئیسه است.

دوفقره پیشنهاد راجع بختم جلسه رسیده‌است قرائت میشود.

(بشرح ذیل خوانده‌شد)

بنده پیشنهاد میکنم بعد از نطق آقای شیروانی جلسه ختم شود.

اخگر

بنده پیشنهاد میکنم جلسه ختم‌شود.

مشاراعظم

نایب‌رئیس-مخالفی نیست

کازرونی-بنده مخالفم.

آقا سیدیعقوب-بنده هم مخالفم.

نایب‌رئیس-آقای کازرونی

(اجازه)

کازرونی- چند فقره خبراز کمیسیون عرایض رسیده و مدتها است که حاضر است.

تقاضا میکنم (چون اختلاف فیمابین صاحبان مرخصی و ادارهٔ مباشرت پیداشده) قرائت شود بعد که تکلیف آنها معلوم‌شد جلسه را ختم بفرمائید.

نایب‌رئیس-رأی می گیریم بختم جلسه آقایانی که موافق هستند باختم جلسه قیام فرمایند.

(اغلب نمایندگان قیام نمودند)

نایب‌رئیس-تصویب‌شد.

جلسه آتیه شب سه‌شنبه ۳ ساعت قبل از ظهر.

دستورهم لایحه ممیزی

(مجلس چهل دقیقه بعد ازظهر ختم شد)

نایب رئیس -مجلس شورای ملی- سهام‌السلطان

منشی-علی اقبال‌الممالك

منشی-معظم‌السلطان

جلسه ۱۲۸

صورت مشروح مجلس یوم سه شنبه بیست و هشتم برج دلو هزار و سیصدوسه مطابق بیست و سوم رجب‌المرجب سنه هزارو سیصدوچهل و سه ۱۳۴۳

مجلس دوساعت قبل ازظهر بریاست آقای سهام‌السلطان نایب رئیس تشکیل گردید)

(صورت مجلس یوم یکشنبه بیست وششم دلوررا آقای آقا میرزاجواد خان قرائت نمودند)

نایب رئیس - آقای قائم مقام- املك.

(اجازه)

قائم‌مقام‌الملك -قبل از دستور عرضی دارم

نایب‌رئیس آقای صدرالاسلام

(اجازه)

صدرالاسلام - بنده هم قبل دستور عرض دارم

نایب رئیس - آقای آقا سید- محمدعلی

(اجازه)

آقاسیدمحمدعلی شوشتری - بنده هم قبل ازدستورعرض دارم

نایب‌رئیس-آقای تدین.

تدین - بنده راجع بدستور عرض دارم.

نایب‌رئیس -آقای اخگر

(اجازه)

اخگر-قبل ازدستور

نایب‌رئیس -آقای دست‌غیب

(اجازه)

دست‌غیب -قبل ازدستور

نایب‌رئیس - آقای حاج‌میرزا- عبدالوهاب

حاج میرزا عبدالوهاب - قبل ازدستور.

نایب‌رئیس -آقای یاسائی

یاسائی - بنده قبل از دستورعرض دارم.

نایب‌رئیس-آقای عراقی

(اجازه)

حاج آقااسمعیل - آقای زعیم را درصورت مجلس جزو غائبین بی اجازه نوشته‌اند.

درصورتی که ایشان مریض بودندوتب